

ما از عدالت سهمی داریم  
سازمان حقوق بشر ایران

سال سوم شماره ۵۸

۹ تیر ۱۳۹۶ / ۳۰ ژوئن ۲۰۱۷

حقوق ما

حق بازگشت به وطن

## ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: نعیمه دوستدار

تحریریه: معین خزائلی، مریم دهکردی، امید رضایی، کامبیز غفوری

صفحه بندی: ماهور خوش قدم

مشاور حقوقی: محمد اولیایی فرد

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست

وقتی سرزمینی درهایش را به روی شهروندانش می بندد



حق بازگشت به وطن، حق سلب نشدنی



بازداشت تاوان بازگشت به وطن



«تبعید شوخی تلخ ناتمامی که همیشه منتظرید تمامش کنید»\*

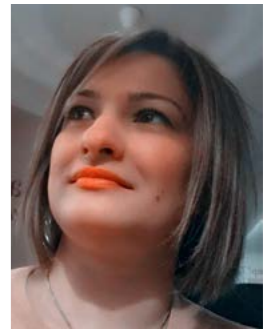


پناهندگان و حق ورود به سرزمین مادری

تبعید در قوانین دوران باستان، یهودیت و مسیحیت



# وقتی سرزمینی درهایش را به روی شهروندانش می‌بندد

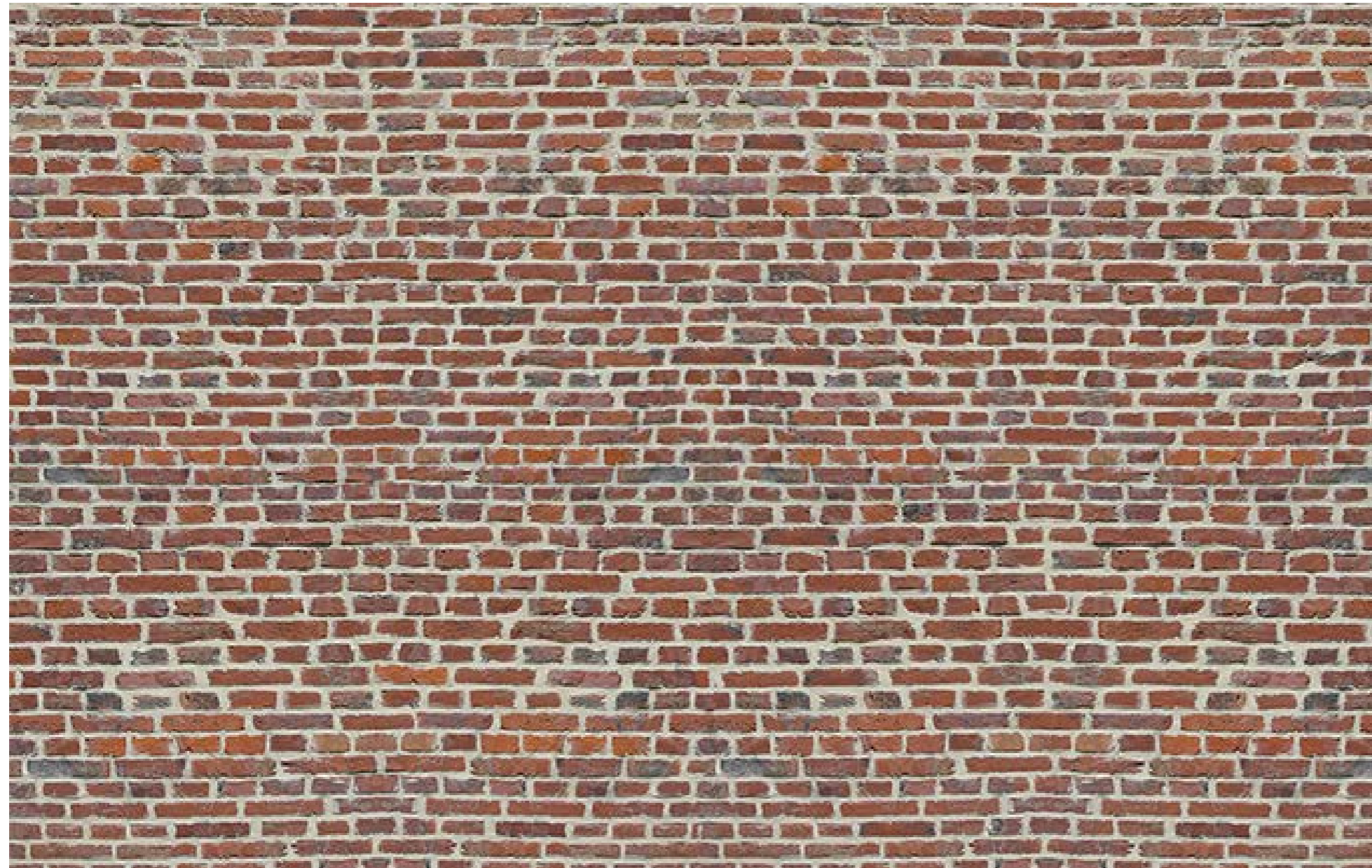


نعیمه دوستدار

شاید بتوان بر اساس قوانین داخلی برای مجرمانی که در دادگاهی عادل به مجازات محکوم شده‌اند، تا زمان ادای دین مادی و معنوی‌شان به نظام حقوقی و قانونی، ممنوعیتی برای سفر به خارج از کشور ایجاد کرد، اما بر اساس قوانین ایران، چیزی به عنوان ممنوع الوردی به کشور وجود ندارد.

حکایت ممنوع الوردی هزاران پناهنده یا فعال سیاسی و هزاران ایرانی که به دلایل مختلف از بازگشت به کشور بیم دارند، حکایت آزادی بیان در ایران است. تعبیری طنز وجود دارد که می‌گوید ما در ایران آزادی بیان داریم اما آزادی پس از بیان نداریم! چون پس از استفاده از حق آزادی بیان سر و کله ماموران امنیتی و سانسورچیان پیدا می‌شود تا آزادی پس از بیان را نقض کنند و استفاده کننده از این حق را به زندان بیندازند. به همین ترتیب، هیچ کس بر اساس قانون ممنوع الوردی به کشور نیست، اما پس از اینکه وارد شد، حتی گاهی پس از چند هفته و چند ماه، پاسپورتش ضبط می‌شود و گاه به زندان می‌افتد تا پاسخگوی آنچه گفته و کرده- در داخل یا خارج ایران- باشد. به این ترتیب، آنچه مساله است، ترس‌های پس از ورود به کشور است.

واقعیت این است که بسیاری از آنهایی که از ورود به کشور ترس دارند، فعالان سیاسی و مخالفان جمهوری اسلامی نیستند. بسیاری از آنها شهروندانی معمولی‌اند؛ تاجر و دانشجو و هنرمند و پناهنده عادی؛ کسانی که از فرصت زندگی در خارج از کشور برای بیان آزادانه نظرات سیاسی و اجتماعی خود استفاده کرده‌اند یا به سبک مورد نظر خود زندگی کرده‌اند. بسیاری به خاطر انتشار عکس‌های بدون حجاب در فیس بوک، لایک



کردن پست‌های مخالفان جمهوری اسلامی، یا حضور در مراسمی در خارج از کشور برای بازگشت به کشور ترس دارند. موضوع پژوهش استادان و دانشجویان در خارج از کشور، اشتغال به امور هنری و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی، گروه دیگری را هنگام بازگشت دچار وحشت می‌کند.

نکته تلخ ماجرا این است که این نگرانی‌ها در بسیاری از موارد واقعی است. برخی از ایرانیانی که به کشور باز

می‌گردند، مورد بازجویی قرار می‌گیرند. پاسپورت‌ها گاهی برای مدتی کوتاه و گاهی برای طولانی مدت ضبط می‌شود و برخی به زندان می‌افتند و این تازه جدا از داستان کسانی است که به عنوان شخصیت‌های هنری یا سیاسی شناخته شده در خارج از کشور هرگز امکان بازگشت پیدا نمی‌کنند. این شماره مجله حقوق ما درباره حق بازگشت به کشور است. همکاران این شماره در مطالب خود جنبه‌های می‌گردند، مورد بازجویی قرار می‌گیرند. پاسپورت‌ها گاهی برای مدتی کوتاه و گاهی برای طولانی مدت ضبط می‌شود و برخی به زندان می‌افتند و این تازه جدا از داستان کسانی است که به عنوان شخصیت‌های هنری یا سیاسی شناخته شده در خارج از کشور هرگز امکان بازگشت پیدا نمی‌کنند. این شماره مجله حقوق ما درباره حق بازگشت به کشور است. همکاران این شماره در مطالب خود جنبه‌های مختلف نقض این حق را مورد بررسی قرار داده‌اند. تاریخچه تبعید و منع بازگشت به کشور در جهان، سرنوشت هنرمندانی که برگشتند، وضعیت پناهندگان سیاسی و وعده‌های حکومت برای بازگرداندن ایرانیان خارج از کشور در کنار مطالبی حقوقی برای بررسی قوانین ایران در این زمینه حاصل تلاش همکاران ما در این شماره است.

# حق بازگشت به وطن، حقی سلب نشدنی



محمد اولیایی فرد

## اول - مفهوم حق آزادی رفت و آمد

حق آزادی رفت و آمد اعم از تردد و سفر در داخل کشور یا خروج و بازگشت به کشور از حقوق و آزادی‌های فردی است که تعرض به آن به معنای عدم تامین امنیت شخصی افراد محسوب می‌شود. حق آزادی رفت و آمد در معنای کلی عبارت است از اینکه شخص، هر وقت که بخواهد بتواند در داخل یک کشور رفت و آمد کند و در هر محلی که مایل باشد، سکونت اختیار کند و نیز بتواند هر موقع که بخواهد آن کشور را ترک کند یا به کشور خود باز شود و هیچ مانعی نتواند این حق را از او سلب کند، با این مفهوم، تامین حق آزادی رفت و آمد تامین امنیت محل اقامت به عنوان یکی از حقوق اجتماعی مدنی را نیز در پی دارد تا انسان بتواند بدون کسب اجازه قبلی مناسب‌ترین محل را با ابتکار و سلیقه خود برگزیند و از مواهب و امتیازات آن در حدود قانون برخوردار باشد و یا آن را تغییر دهد و در آن تردد یا رفت و آمد کند.

## دوم - حق آزادی رفت و آمد در اسناد بین‌المللی حقوق بشر

حق آزادی رفت و آمد از آنجا که از حقوق و آزادی‌های فردی محسوب می‌شود و تعرض به آن به معنای عدم تامین امنیت شخصی افراد تلقی می‌شود در مهم‌ترین اسناد بین



حق ورود به کشور خود، خودسرانه (بدون مجوز) محروم شود. در ماده ۱۳ این میثاق نیز تصریح شده: «هر بیگانه ای که به طور قانونی در قلمرو کشور عضو این میثاق باشد، فقط در صورتی از آن (کشور) اخراج می‌شود که (این اخراج) پیرو تصمیمی مطابق قانون باشد، در غیر این صورت و در جایی که دلایل حتمی امنیت ملی ایجاب نکند، باید این اجازه به او داده شود که دلایل مخالفت خود را نسبت به (این اخراج) ارائه دهد. بدین منظور پرونده او با حضور نماینده‌ای که قبال تعیین کرده است و به وسیله مرجع صالحیت دار یا فرد یا افراد به خصوصی که از طرف مرجع صالحیت دار تعیین شده اند، دوباره خوانی و رسیدگی می‌شود.»

کنوانسیون حقوق کودک از دیگر اسناد بین‌المللی است که حق آزادی رفت و آمد کودکان یا والدین برای پیوستن به اعضای خانواده‌شان را مورد تاکید قرار داده است. در بند ۱ ماده ۱۰ این کنوانسیون آمده: «به دنبال ماده ۹ بند ۱ مندرج در این پیمان نامه، هرگاه کودک یا والدین او درخواست خروج از کشور یا ورود به کشور دیگری را برای پیوستن به اعضای خانواده خودشان دارند، ترتیب این امر به طور انسانی و سریع از طرف حکومت داده می‌شود و چنین درخواستی و دارای هیچگونه خطری از سوی حکومت برای متقاضی و یا

وابستگان او نیست.»

کنوانسیون ۱۵۹۱ ژنو به عنوان اصلی ترین منبع حقوق پناهندگان در مقررات بین‌المللی در ۲۲ ژوئیه ۱۵۹۱ در ژنو به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسیده است. در این کنوانسیون یکی از تعهدات مهم دولت‌ها، به رسمیت شناختن حق آزادی رفت و آمد پناهندگان است. مطابق ماده ۲۶ این کنوانسیون «هر یک از دول متعاقد به پناهندگانی که طبق قانون در سرزمین آنها به سر می‌برند، حق خواهند داد که محل سکونت خود را انتخاب کنند و آزادانه در داخل سرزمین آن دولت رفت و آمد کنند. مشروط به رعایت مقرراتی که معمولاً در این گونه موارد درباره خارجی‌ان اجرا می‌شود.»

ماده ۲۸ این کنوانسیون به صدور اسناد مسافرتی از سوی دولت‌های متعاقد برای پناهندگان اختصاص دارد. نحوه صدور و چگونگی سند مسافرتی که امروزه به سند مسافرتی کنوانسیون شهرت دارد، در ضمیمه کنوانسیون به تفصیل آمده است و شاید این بخش از کنوانسیون را بتوان بخشی دانست که بیش از سایر بخش‌ها و در سطح جهانی به اجرا درآمده است. این سند مسافرتی که عموماً توسط کشور پذیرنده پناهنده صادر می‌شود، مقبولیتی وسیع یافته به صورتی که حتی تعدادی از کشورهای غیر عضو کنوانسیون نیز آن را به رسمیت شناخته‌اند. تمدید اعتبار این سند مسافرتی هنگامی که پناهنده در کشوری غیر از کشور صادرکننده آن به سر می‌برد که موضوع ماده ۱۱ ضمیمه کنوانسیون است، معمولاً براساس توافقات میان دو کشور صورت می‌پذیرد.

«کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان» از دیگر اسناد بین‌المللی است که به موضوع حق آزادی رفت و آمد پرداخته است. مطابق بند ۴ ماده ۱۵ این کنوانسیون «دول عضو به زنان و مردان حقوقی یکسان در برابر قانون مربوط به تردد افراد و آزادی و انتخاب مسکن و اقامتگاه اعطا خواهند کرد.» همچنین در ماده ۲۰ «اعلامیه حقوق بشر اسلامی» نیز در خصوص حق آزادی رفت و آمد. مقرر شده: «دستگیری یا محدود ساختن آزادی یا تبعید یا مجازات هر انسانی جایز نیست، مگر به مقتضای شرع.» و در بند ۱ ماده ۸ «کنوانسیون اروپایی حقوق بشر»، حق برخورداری افراد از احترام به محل اقامت را یادآور شده است. در ماده ۲ پروتکل شماره ۴ این کنوانسیون نیز حق آزادی رفت و آمد مورد تاکید قرار گرفته است. علاوه بر این اسناد، کنوانسیون حمایت از حقوق کارگران مهاجر و خانواده آنها (ماده ۸) کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (ماده ۲۲) منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم (ماده ۱۲)، منشور عرب در باره حقوق بشر (مواد ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴) نیز موضوع حق آزادی رفت و آمد افراد را مورد توجه و تاکید قرار داده‌اند.



**سوم - حق آزادی رفت و آمد در نظام حقوقی ایران**  
 حق آزادی رفت و آمد اعم از تردد و سفر در داخل کشور یا خروج و بازگشت به کشور از حقوق و آزادی‌های فردی است. با این حال قانون اساسی ایران اشاره صریحی به این حق آزادی نکرده است، هر چند که از میان چند اصل از اصول این قانون می‌توان به این نتیجه رسید که اگر چه تصریحی در زمینه حق آزادی رفت و آمد وجود ندارد اما رعایت این حق مورد قبول قانون اساسی واقع شده است. زیرا یکی از وجوه محدودیت‌های آزادی تردد، اجبار کردن شخص به اقامت در محلی مشخص یا منع از اقامت در محل معین است. اصل ۳۳ قانون اساسی این اعمال محدودیت را در صورتی معتبر می‌داند که قانون آنرا مقرر نموده باشد، بنابراین مفاد اصل ۳۳ قانون اساسی که مقرر می‌کند: «هیچکس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد»، در واقع به رسمیت شناختن و قبول حق آزادی رفت و آمد در قانون اساسی محسوب می‌شود.

همچنین از آنجا که در بندهای هفتم، نهم و چهاردهم اصل سوم قانون اساسی، از حقوقی مانند «آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون» و «تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد» و «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی» یاد کرده و رعایت و حفظ این حقوق را از وظایف دولت می‌داند، بنابراین حق آزادی رفت و آمد نیز مانند سایر حقوق و آزادی‌های فردی مردم باید حفظ، رعایت و به رسمیت شناخته شود.

البته در مواد ۴۸ و ۴۹ منشور حقوق شهروندی دولت یازدهم حسن روحانی که برگرفته از قانون اساسی و قوانین موضوعه است، حق آزادی رفت و آمد به صراحت مورد توجه و تاکید قرار گرفته است. در ماده ۴۸ این منشور آمده: «حق هر شهروند است که آزادانه در داخل کشور رفت‌وآمد کند و از ایران خارج و یا به ایران وارد شود، مگر این‌که به‌موجب قانون این حق محدود شده باشد.» و در ماده ۴۹ نیز تصریح شده: «حق شهروندان است که در هر نقطه از سرزمین ایران، اقامت و سکونت کنند. هیچ‌کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل موردعلاقه‌اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد.»

همچنین در ماده ۴۷ این منشور تصریح شده: «حق مسلم هر فرد ایرانی است که از مزایای تابعیت ایران بهره‌مند شود و کسی نمی‌تواند مانع استیفای این حق شود.»

بدیهی است که بازگشت به وطن برای هر ایرانی از مزایای تابعیت ایران محسوب می‌شود که کسی نمی‌تواند مانع استیفای این حق شود.

### چهارم - محدودیت‌های حق آزادی رفت و آمد در نظام حقوقی ایران

۱ - هر چند مطابق بند ۱ ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر «هر کس حق دارد که از داخل هر کشوری آزادانه عبور و مرور کند و محل اقامت خود را انتخاب کند» اما این بدان معنا نیست که حق آزادی رفت و آمد امر مطلق و بدون محدودیتی است بلکه گاهی آزادی رفت و آمد به خارج از کشور و یا ورود به یک کشور ممکن است به دلایلی چون امنیت، نظم و بهداشت عمومی به طور موقت محدود یا سلب شود.

بند ۳ ماده ۱۲ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مقرر نموده که آزادی رفت و آمد نباید مشمول هیچ محدودیتی شود، مگر آنکه آن محدودیت‌ها برای حفظ امنیت ملی، نظم عمومی، سلامت و اخلاق عمومی یا رعایت حقوق و آزادی‌های دیگران، ضروری بوده و به‌وسیله قانون مقرر گشته است و با دیگر حقوق شناخته شده در این میثاق سازگار باشد. بنابراین دولت ایران می‌تواند مانند هر دولت دیگری از ورود و اقامت بیگانگانی که واجد شرایط قانونی نیستند جلوگیری کند و بیگانه‌ای که شرایط ورود و اقامت خود را رعایت نکند، چنان‌که پیش از

مدتی که برای اقامت او مقرر شده متوقف کند، یا اگر مرتکب جرم شود یا حضور او مخالف مصالح کشور تشخیص شود، او را به کشور خودش برگرداند.

۲ - یکی از مواردی که در حوزه محدودیت‌های حق آزادی رفت و آمد قرار می‌گیرد این است که افراد در هنگام خروج از کشور و یا ورود به آن برای حفظ نظم، امنیت و کنترل باید گذرنامه و ویزای مخصوص مطابق قراردادهای بین‌المللی داشته باشند. البته با توجه به مهم شمردن این آزادی در میان قوانین اساسی کشورها و اسناد بین‌المللی صلاحیت دولت در اعطای گذرنامه به اتباع خود، صلاحیتی تکلیفی است. به این معنی که دولت نمی‌تواند بدون موجب قانونی از اعطای گذرنامه خودداری کند ولی صلاحیت دولت در مورد دادن روادید، یعنی اجازه ورود به اتباع خارجی صلاحیت اختیاری است، یعنی دولت مختار است چنانچه ورود عناصری را به کشور مضر تشخیص دهد از اعطای ویزا به آنها خودداری کند. مطابق ماده ۲ قانون گذرنامه، اتباع ایران برای خروج از کشور و یا اقامت در خارج و یا مسافرت از خارج به ایران باید تحصیل گذرنامه کنند. صدور گذرنامه منوط به ارائه اسنادی است که

هویت و تابعیت ایرانی تقاضاکننده را ثابت کند. اسناد مزبور به موجب آیین نامه اجرایی این قانون تعیین خواهد شد. برابر ماده ۳ و ۵ نیز خروج از کشور بدون ارائه گذرنامه یا مدارک مسافرت مذکور در این قانون ممنوع است و مأموران مربوط مکلفند از ورود افرادی که فاقد گذرنامه یا مدارک لازم برای ورود به ایران باشند جلوگیری کنند.

البته در مواردی که افرادی فاقد گذرنامه و یا مدارک مسافرت برای مراجعه به ایران باشند در صورتی که تابعیت ایرانی و یا ایرانی آنان محرز شود، با رعایت ماده ۲۰ این قانون مکلفند برگ بازگشت به ایران را از مأموریت‌های سیاسی یا کنسولی جمهوری اسلامی ایران در خارج دریافت کنند. ماده ۲۰ قانون گذرنامه در این خصوص مقرر می‌دارد: «به ایرانیانی که به کشور مراجعت می‌کنند و فاقد گذرنامه یا اسناد در حکم گذرنامه باشند یا اینکه مدت اعتبار آن اسناد منقضی شده باشد به شرط آنکه تابعیت ایرانی آنها مسلم باشد، برگ بازگشت که فقط برای بازگشت به ایران معتبر است داده می‌شود.»

اعطای گذرنامه اما با محدودیت‌هایی نیز مواجه است از جمله

مقررات این قانون به شرط معامله متقابل به عمل خواهد آمد. مطابق ماده ۳ این قانون دولت ایران می‌تواند بنا بر درخواست دول خارجی غیر ایرانی را که در قلمرو دولت ایران اقامت دارند در صورت وجود شرایط زیر به دولت تقاضاکننده تسلیم کند. ۱- جرم ارتكابی در قلمرو دولت تقاضاکننده به وسیله اتباع آن دولت و یا اتباع دولت دیگر واقع شده باشد. ۲- جرم ارتكابی در خارج از قلمرو دولت تقاضاکننده به وسیله اتباع آن دولت واقع شده باشد. ۳- جرم ارتكابی در خارج از قلمرو دولت تقاضاکننده به وسیله شخصی غیر از اتباع آن دولت واقع شده باشد. مشروط بر این که جرم ارتكابی مضر به مصالح عمومی کشور تقاضاکننده باشد.

همچنین مطابق ماده ۸ قانون راجع به استرداد مجرمین مصوب ۱۳۳۹ در موارد زیر استرداد مورد قبول واقع نخواهد شد: ۱- هر گاه شخص مورد تقاضا ایرانی باشد. ۲- هر گاه جرم ارتكابی از جرائم سیاسی باشد و یا اوضاع و احوال قضیه معلوم شود که استرداد به منظورهای سیاسی به عمل آمده باشد. در مورد اختلافات جنگ‌های داخلی استرداد مورد قبول نخواهد شد مگر آن که در این صورت استرداد پس از خاتمه جنگ‌های داخلی قابل قبول خواهد بود. سوء قصد به حیات افراد در هیچ مورد جرم سیاسی محسوب نخواهد بود. ۳- هر گاه جرم ارتكابی در داخل قلمرو دولت ایران ارتكاب یافته و یا اگر در خارج از آن واقع شده مرتکب در ایران مورد تعقیب واقع و یا محکوم شده باشد. ۴- هر گاه جرم ارتكابی از جرائم نظامی باشد. ۵- هر گاه طبق قانون دولت ایران یا قانون دولت تقاضاکننده تعقیب یا مجازات مشمول مرور زمان شده و یا به جهتی از جهات قانونی شخص مورد تقاضا طبق قانون دولت تقاضاکننده قابل تعقیب یا مجازات نباشد.

۴- برقراری حکومت نظامی و تعیین ساعت آمد و رفت شهروندان در شرایط اضطراری از محدودیت‌های حق آزادی رفت و آمد محسوب می‌شود. ماده ۷۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به دولت اجازه داده است در حالت جنگ و شرایط اضطراری با تصویب مجلس شورای اسلامی موقتاً محدودیت‌ها ممکن است آزادی تردد در کشور نیز محدود شود. بر اساس اصل ۷۹ «برقراری حکومت نظامی ممنوع است. در حالت جنگ و شرایط اضطراری نظیر آن، دولت حق دارد با تصویب مجلس شورای اسلامی موقتاً محدودیت‌های ضروری را برقرار کند، ولی مدت آن به هر حال نمی‌تواند بیش از ۳۰ روز باشد و در صورتی که ضرورت همچنان باقی باشد، دولت موظف است مجدداً از مجلس کسب مجوز کند.» ۵- یکی دیگر از محدودیت‌هایی که قانون مدنی ایران به شکلی بر آزادی رفت و آمد بار کرده است این است که اقامتگاه زن شوهردار را همان اقامتگاه شوهر (ماده ۱۰۰۵) و

اقامتگاه محجورین را همان اقامتگاه ولی یا قیم آنها قرار داده است (ماده ۱۰۰۶). دیگر اینکه اقامتگاه کارکنان و مأموران کشوری، قضایی و لشکری نیز محل مأموریت آنهاست. (مواد ۱۰۰۷ و ۱۰۰۸)

۶- اصل ۳۳ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «هیچ‌کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد.» بنابر این تبعید یا اجبار نمودن شخص به اقامت در محلی مشخص و نیز منع از اقامت در محل معین از نظر قانون اساسی در صورتی معتبر است که به حکم قانون باشد به همین جهت ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی درخصوص مجازات تکمیلی از موارد قانونی تبعید یا اجبار نمودن شخص به اقامت در محلی مشخص و نیز منع از اقامت در محل معین محسوب می‌شود که منجر به محدودیت‌هایی بر حق آزادی رفت و آمد می‌شود. برابر با ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی، دادگاه می‌تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری از درجه شش تا درجه یک محکوم کرده است با رعایت شرایط مقرر در این قانون به عنوان مجازات تکمیلی به اقامت اجباری در محل معین یا منع از اقامت در محل یا محل‌های معین محکوم کند.

البته اعمال محدودیت بر حق آزادی رفت و آمد تحت عنوان مجازات تکمیلی خاص محکومان نیست بلکه در شرایطی حق آزادی رفت و آمد متهمان نیز به حکم قانون محدود می‌شود. مطابق ماده ۱۸۸ آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ «تا هنگامی که به متهم دسترسی حاصل نشده، بازپرس می‌تواند با توجه به اهمیت و ادله وقوع جرم، دستور منع خروج او را از کشور صادر کند. مدت اعتبار این دستور، شش‌ماه و قابل تمدید است. در صورت حضور متهم در بازپرسی و یا صدور قرار موقوفی، ترک و یا منع تعقیب، ممنوعیت خروج منتفی و مراتب بلافاصله به مراجع مربوط اطلاع داده می‌شود. در صورتی که مدت مندرج در دستور منع خروج منقضی شود این دستور خودبه‌خود منتفی است و مراجع مربوط نمی‌توانند مانع از خروج شوند.» همچنین ماده ۲۴۷ همین قانون مقرر می‌کند که بازپرس می‌تواند متناسب با جرم ارتكابی، علاوه بر صدور قرار تأمین، دستور ممنوعیت خروج از کشور را به عنوان قرار نظارت قضایی برای مدت معین صادر کند.

### پنجم - ضمانت اجرای حق آزادی رفت و آمد در نظام حقوقی ایران

اصل ۲۲ قانون اساسی مقرر می‌کند: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.» اصل ۳۳ نیز بیان میدارد: «هیچکس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از

اقامت در محل مورد علاقه اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد.» همچنین طبق اصل ۳۶ «حکم به مجازات و اجرا آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.» در ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی هم آمده: «حکم به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی و اجرای آنها باید از طریق دادگاه صالح، به موجب قانون و با رعایت شرایط و کیفیات مقرر در آن باشد» از مجموع این اصول و قوانین این نتیجه حاصل می‌شود که حق آزادی رفت و آمد از حقوق و آزادی‌های فردی است که محدود نمودن آن تنها در صورتی معتبر است که به حکم قانون باشد.

البته اعمال محدودیت قانونی برای این حق فقط شامل رفت و آمد در داخل کشور و خروج از کشور می‌شود و نه برای بازگشت به کشور، زیرا مطابق اصل ۴۱ قانون اساسی تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند و بازگشت به وطن برای هر ایرانی از مزایا و نتایج تابعیت ایران محسوب می‌شود که هیچ قانون یا مقامی نمی‌تواند مانع استیفای این حق شود. به همین جهت نه تنها هر گونه اعمال محدودیت قانونی برای بازگشت به کشور مغایر قانون اساسی است، بلکه هر مقامی که مانع از استیفای این حق شود طبق ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی تحت تعقیب کیفری قرار گرفته و مجازات می‌شود. ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌کند: «هر یک از مقامات و مأمورین دولتی که بر خلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی محروم کند، علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت سه تا پنج سال از مشاغل دولتی به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.»

### منابع:

- ۱- قاضی، سید ابوالفضل؛ بایسته‌های حقوق اساسی،
- ۲- طباطبایی مؤتمنی؛ منوچهر، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر
- ۳- شریعتی، سعید، حقوق ملت و دولت در قانون اساسی،
- ۴- عصاره، عبدالله، آزادی رفت و آمد
- ۵- وفادار، علی؛ حقوق اساسی و تحولات سیاسی
- ۶- مدنی، سید جلال‌الدین؛ حقوق اساسی تطبیقی
- ۷- اولیایی فرد، محمد، تأمین امنیت در گرو مصونیت و تحقق حقوق فردی
- ۸- کاویانی، محمدها دی، حق امنیت فردی در قانون اساسی ایران



معین خزائی

## بازداشت تاوان بازگشت به وطن

اولین زمزمه ها برای ایجاد فضای مناسب جهت بازگشت ایرانیان به کشور پس از حوادث انتخابات سال ۸۸ یکسال بعد از آن و با تاکید بر نقش «شورای عالی ایرانیان خارج از کشور» در دولت دوم محمود احمدی نژاد شنیده شد. او که پس از اعتراضات گسترده نسبت به انتخابات سعی در بهبود چهره خود داشت با طرح برنامه بازگشت ایرانیان خارج از کشور سرآغازی بود برای طرحی که تا به امروز فرجامی نداشته است. واکنشها و اعتراضات اصولگرایان به این طرح و نیز عدم اطمینان و اعتماد ایرانیان خارج از ایران سبب شد که این طرح عملاً در دولت وی شکست خورده و تلاشی در جهت اجرای آن صورت نگیرد.

اما پس از به قدرت رسیدن حسن روحانی در سال ۹۲ طرح بازگشت ایرانیان دوباره و با جدیت و تلاش بیشتری آغاز شد. حسن روحانی خود در صدمین روز فعالیت دولتش با اظهار امیدواری به بازگشت همه ایرانیان خارج از کشور به ایران خبر از همکاری وزارت اطلاعات و امور خارجه در جهت تسهیل این مسیر داد. در نتیجه کمیته بازگشت ایرانیان خارج از کشور با محوریت وزارت اطلاعات تشکیل شد. محمود علوی وزیر اطلاعات وقت خود در این خصوص گفته بود: «هر شخصی که

خلافی نکرده باشد تضمین می دهیم مشکلی نخواهد داشت.» تلاش های حسن روحانی و دولت او البته سبب شد که تعدادی از دانشجویان و فعالان سیاسی، اجتماعی و حقوق بشر با اعتماد به وعده های او راه بازگشت به ایران را در پیش گرفته که نتیجه آن بازداشت برخی در بدو ورود در فرودگاه و پرونده دار شدن برخی دیگر به دلیل پرونده سازی های دستگاه های امنیتی بود. سعید رضوی فقیه، حسین نورانی نژاد، کاظم برجسته، ساجده عرب سرخی، سراج الدین میردامادی، اسماعیل گرامی مقدم، معصومه قلی زاده، حمید بابایی و احمد رضا جلالی از جمله این افراد بوده اند.

علیرغم بازداشت ها اما دولت حسن روحانی همچنان بر این طرح پافشاری کرده و از تلاش برای اجرای آن صرف نظر نکرد.

حسن قشقاوی معاون کنسولی و پارلمانی وزارت امور خارجه دی ماه ۹۲ در همین خصوص گفته بود رفت و آمد همه ایرانیان خارج از کشور به ایران به غیر از افرادی که دارای پرونده قضایی هستند آزادانه و بدون مشکل است. او همچنین تعداد ایرانیانی را که به سبب اعتراضات سال ۸۸ ایران را ترک کرده بودند بین ۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفر تخمین زده و گفته بود که ۹۵ درصد آنها هیچ مشکل حقوقی و

قضایی برای ورود به کشور ندارند. وزارت امور خارجه همچنین با اعلام آدرس ایمیلی از ایرانیان خارج از کشور خواسته بود در صورتی که خواهان اطلاع از وضعیت خود برای بازگشت به ایران هستند می توانند از طریق آن از بخش کنسولی وزارت خارجه استعلام کنند. این آدرس الکترونیکی اما بنا بر گزارشات منتشر شده هیچگاه پاسخی برای متقاضیان خود ارسال نکرد.

منصور حقیقت پور، نایب رییس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس وقت نیز دی ماه ۹۲ در این خصوص گفته بود که نمی توان ایرانیان را به صرف امضای یک بیانیه و



و یا از طریق رسانه‌ها منتشر می‌شود نیازی به جاسوسی ندارد. از این رو دسترسی به اطلاعات طبقه بندی شده، محرمانه و سری از ملزومات ارتکاب جرم است.

حال سوال اصلی این است که یک دانشجو، یک فعال حقوق بشر و یا یک عضو عادی سابق حزبی سیاسی در ایران اساسا چه اطلاعات محرمانه‌ای در اختیار دارد که بتواند آن را به بیگانگان منتقل کند؟ و یا اساسا یک دانشجو در هنگام سفر به ایران عملا و اساسا به کدام نهاد محرمانه و مهم کشور دسترسی دارد تا بتواند از آن جاسوسی کند؟ و یا اینکه عملا کدام اطلاعات طبقه بندی شده و محرمانه نظامی، سیاسی و یا اقتصادی ایران به سادگی قابل دستیابی برای افرادی است که اساسا نقشی و سهمی در آن ارگان ندارند؟

در خصوص اتهام همکاری با دول متخاصم نیز وضع به همین صورت است. ماده ۵۰۸ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده هر نوع همکاری با دول متخاصم علیه نظام جمهوری اسلامی ایران را جرم انگاری کرده است. اما اساسا بر مبنای این قانون روشن نیست که کدام عمل مصداق همکاری تلقی شده و دول متخاصم چه کشورهایی هستند؟

قوانین موضوعه ایران تفسیری روشن از مفهوم مدنظر قانونگذار از دول متخاصم ندارند اما آنچه که قریب به اتفاق حقوقدانان بر آن اتفاق نظر دارند این است که تخاصم مفهومی عرفی، سیاسی و یا ارزشی نبوده، بلکه مفهومی کاملا حقوقی مبتنی بر قوانین حقوق بین الملل است که مرجع تصمیم گیری در خصوص آن قوه مجریه هر کشور و علی الخصوص وزارت امور خارجه آن است، نه دستگاه قضایی و دادگاه‌ها. از سوی دیگر مفاد قانون به صراحت اعلام می‌دارد که همکاری مذکور باید بر علیه نظام جمهوری اسلامی ایران باشد. از این رو روشن است که استفاده از امکانات آموزشی و تحقیقاتی کشورها از جمله بودجه‌های پروژه‌های علمی غیر نظامی اساسا فعالیتی بر علیه نظام جمهوری اسلامی نیست و در نتیجه مرتکب آن نباید مجرم شناخته شود.

در نتیجه روشن است که اتهامات نهادهای امنیتی و قضایی در ایران به افراد بازگشتی اساسا و عملا چیزی جز یک تسویه حساب سیاسی نیست. چرا که بنا بر قوانین موضوعه ایران اتهامات وارد شده واهی تر از آن است که بتوان آنرا تنها تفسیری متفاوت از قوانین یافت. از سویی دیگر وابستگی دستگاه قضایی ایران به نهادهای امنیتی و نظامی سبب شده است که مقوله‌هایی مانند امنیت ملی و جاسوسی دست آویزی جهت سرکوب و بهره برداری‌های سیاسی قرار گیرد. نتیجه این که بازگشت دوباره به وطن برای بسیاری رویایی دست نیافتنی و دور خواهد بود.

مواجهه بوده و به دلیل آن بازداشت شده اند، همکاری با دول متخاصم، جاسوسی و اقدام علیه امنیت ملی بوده است. مساله قابل تامل اما اینجاست که در عمل مشخص نیست تعریف نهادهای امنیتی و قضایی ایران از جرایمی از این دست چیست. قانون مجازات اسلامی در ماده ۵۰۱ خود در قوانین مربوط به تعزیرات و قوانین بازدارنده جاسوسی را شامل در اختیار غیر گذاردن اسناد، نقشه‌ها، اسرار و تصمیمات راجع به سیاست داخلی و یا خارجی کشور دانسته و مرتکب را مجرم می‌داند. روشن است که در اینجا منظور اسناد، نقشه‌ها، اسرار و تصمیمات مخفی، محرمانه و طبقه بندی شده است والا در اختیار غیر گذاردن اسنادی که برای عموم قابل دسترسی بوده

اظهار نظر سیاسی از رفت و آمد به کشورشان محروم کرد. وی البته در ادامه خاطر نشان کرده بوده که رفت و آمد به ایران برای همه ایرانیان بدون مشکل است مگر کسانی که قتل و دزدی کرده اند، قانون را زیر پا گذاشته اند، خود را به بیگانگان فروخته اند و اطلاعاتی از کشور در اختیار آنها قرار داده اند، جاسوسی کرده اند و یا باب همکاری با اسرائیل را گشوده اند. پافشاری دولت بر این طرح و واکنش‌های اصولگرایان در مخالفت با آن اما واکنش دستگاه قضایی ایران را برانگیخت و سخنگوی آن در فروردین ماه ۹۳ خبر از محاکمه غیابی و محکومیت تعدادی از افرادی داد که به گفته وی مظنونین فتنه ۸۸ بوده اند.

کشمکش‌ها بر سر این طرح اما تا جایی پیش رفت که سرانجام تیرماه ۹۳ غلامحسین محسنی اژه‌ای سخنگوی دستگاه قضایی ایران با اعلام اینکه که اگر فردی جرمی مرتکب شود و از کشور خارج شود و یا اینکه در خارج از کشور جرمی مرتکب شود به محض ورود به کشور از سوی دستگاه قضایی مورد تعقیب قرار خواهد گرفت و همچنین افرادی که نقشی در حوادث پس از انتخابات ۸۸ داشته اند هم اگر به داخل کشور بازگردند به محض ورود تحت تعقیب قرار خواهند گرفت، آب پاکی را بر دستان مردم و دولت روحانی ریخته و تکلیف طرح بازگشت ایرانیان خارج از کشور را برای همیشه در دولت وی روشن کرد.

#### همه متهم هستند

حمید بابایی، دانشجوی مقطع دکتری در رشته اقتصاد و امور مالی در بلژیک از جمله افرادی بود که در مرداد ماه ۹۲ پس از بازگشت به ایران بازداشت و پس از مدتی به جرم همکاری با دول متخاصم به شش سال حبس تعزیری و چهار سال حبس تعلیقی محکوم شد. گزارشات منتشر شده اما نشان می‌دهند که علت اصلی محکومیت او به گفته اعضای خانواده اش عدم همکاری او با وزارت اطلاعات ایران در جاسوسی از دیگر دانشجویان ایرانی مقیم بلژیک بوده است.

در این میان دو تابعیتی‌ها هم از این پروسه در امان نمانده و تعدادی از آن‌ها مشمول اتهام‌هایی عجیب و غریب شده اند. احمد رضا جلالی، پزشک و پژوهشگر ایرانی-سوئدی از افرادی است که پس از سفر به ایران به دعوت دانشگاه تهران و جهت شرکت در سمیناری پژوهشی در اردیبهشت سال گذشته بازداشت شده و به اتهام همکاری با دول متخاصم همچنان در زندان است. همکاران دکتر جلالی گفته‌اند که دستگیری او با تماس‌های بین المللی وی در دانشگاه بروکسل بی ارتباط نبوده است. برخی از این تماس‌ها با دانشمندان کشورهای

مخالف جمهوری اسلامی ایران از جمله دولت اسرائیل صورت گرفته است.

روشن است که دستگاه‌های امنیتی و قضایی جمهوری اسلامی ایران به دلایل مختلفی از جمله منع قانونی و هزینه سازی افکار عمومی علاقه‌ای به ایجاد ممنوعیت جهت ورود افراد به ایران نداشته و حاضر نیستند به طور مستقیم و رسمی از ورود ایرانیان جلوگیری به عمل آورند. در عوض به محض ورود، این اشخاص توسط نهادهای امنیتی و قضایی با اتهامات واهی و بی اساس که در بیشتر موارد حتی پشتوانه‌ای قانونی نیز ندارند بازداشت و محاکمه می‌شوند.

عمده ترین و اصلی ترین اتهاماتی که افراد بازگشتی با آن



## «تبعید شوخی تلخ ناتمامی که همیشه منتظرید تمامش کنید»\*

تبدیل شده بود.

### احضار و بازجویی

یک ماه بعد گوگوش به زندان اوین احضار شد. آیت‌الله محمدی گیلانی حاکم شرع و بییس دادگاه‌های انقلاب اسلامی با انتشار عمومی احضاریه‌ای در روزنامه اطلاعات برخی خوانندگان دوران قبل از انقلاب را به دادگاه احضار کرده بود. در آن احضاریه نام جهانگیر و لیلا فروهر، معصومه دده بالا (هایده)، پروانه مشهور به حمیرا، عهدیه بدیعی، فریدون فرخزاد، فیروزه، طوطی سلیمی و پونه نیز ذکر شده بود.

گوگوش در چهار مرحله بازجویی شد و در آخرین آنها از او تعهد گرفته شد که «تحت هیچ شرایطی فعالیت هنری نداشته باشد». این تعهد باعث شد تا صدا، تصویر و حضورش برای نزدیک به ۲۰ سال ممنوع شود. علیرغم چنین ممنوعیت سنگین و اخذ تعهدی این چنین دشوار او در زمان اقامتش در ایران بارها و بارها احضار شد. به کمیته انقلاب اسلامی مستقر در میدان هفت حوض نارمک، به اداره مفاسد اجتماعی ناجا که تحت نام «اداره منکرات» فعالیت می‌کرد و یک ماه نیز در زندان به سر برد.

گوگوش با خروجش از ایران درباره ایام زندان خود به «بازجویی‌های فرسایشی شبانه بین ساعت ۹ شب تا حدود سه نیمه شب» اشاره کرده است. او پس از رهایی از زندان مدت‌ها در سکوت و انزوا زندگی کرد.

۲۰ سال بعد گوگوش به واسطه بازی در فیلم مسعود کیمیایی از کشور خارج شد. گرچه این فیلم به دلایل مالی و آنچه اختلاف با تهیه‌کننده‌ها نامیده شد به مرحله تولید نرسید اما مسعود کیمیایی درباره همراهی گوگوش با او در این سفر گفت: «ترجیح می‌دهم در این مورد سکوت کنم و حرفی نزنم. بهتر است یک روزی مصاحبه کند و همه چیز را بگوید... من می‌دانم که ایشان پاسپورت گرفت و می‌خواست برود پسر و نوه اش را ببیند و قصد داشت دست به یک سفر کوتاه بزند و البته ضمن این سفر در فیلم من هم بازی کند... ترجیح می‌دهم خود ایشان در



مریم دهکردی

یک عصر بارانی در پاییز یا صبحی درخشان در زمستان با دو چمدان بزرگ حاوی هرآنچه گمان می‌کردند مورد نیازشان است در فرودگاهی در آمریکا یا اروپا از هواپیما پیاده شدند. برخی خوشبین به بازگشتی زود هنگام و برخی دل‌نگران و مضطرب از تحولات سیاسی و اجتماعی، بزرگترین رخداد تاریخ معاصر ایران را از خبرها دنبال می‌کردند. این روایت می‌تواند برای همه خوانندگان، نویسندگان، تجار و سرمایه‌گذاران اقتصادی که پیش از انقلاب ۵۷ یا اندک زمانی پس از آن خاک ایران را ترک کرده و سودای بازگشت در سر داشتند صادق باشد.

خروج محمدرضا شاه پهلوی و بازگشت آیت‌الله خمینی در فاصله ۱۵ روز بسیاری را وا داشت تا از کشور خارج شوند و بعد از اینکه اوضاع آرام تر شد بازگردند. هیچ کس اطلاعی از تغییر قوانین نداشت. تنها نکته‌ای که به این تردیدها دامن می‌زد اخبار اعدامهای انقلابی و دستور تشکیل همزمان دادگاه‌های انقلاب بود. بسیاری از خوانندگان موسیقی ایران، نوازندگان و ترانه‌سرایان از کشور خارج شده بودند و بلیط بازگشت شان تاریخ مشخصی نداشت.

### گوگوش باز می‌گردد

در میان خوانندگانی که در نهایت بلیط بازگشت به وطن را تهیه کردند، می‌توان به گوگوش اشاره کرد. او با توجه به فعالیت غیر سیاسی اش در حوزه سینما و خوانندگی گمان نمی‌کرد بازگشت به ایران برایش دردسر ساز شود اما در همان بدو ورود به فرودگاه مهرآباد تهران با نیروهای انقلابی مواجه شد. اگر سفارش مسعود فرد منش - که آن روزها شغل بسیار مهمی در فرودگاه مهرآباد داشت - نبود، معلوم نبود چه می‌شد اما در آن لحظه به‌خصوص سفارش او باعث شد گوگوش از فرودگاه به منزل مادرش برود چرا که خانه شخصی اش مصادره و به خوابگاه دانشجویی

برنامه آمده است «برنامه جعبه سیاه هیچ گرایش سیاسی خاصی را دنبال نمی‌کند و تنها با شیوه‌ای جذاب به دنبال معرفی سبک زندگی شخصیت‌های مشهور جامعه از کلیه اقصا است. این برنامه صرفاً به جنبه خصوصی زندگی میهمانان برنامه می‌پردازد».

نکته جالب توجه اما بهره‌گیری از اردشیر احمدی برای ساخت موزیک ویدئوی «انرژی هسته‌ای» امیر حسین مقصدولو، مشهور به تتلو و به سفارش نهادهای امنیتی و نظامی است.

در تازه‌ترین روایت از بازگشت هنرمندان به ایران می‌شود به بازگشت مصطفی عزیزی به ایران اشاره کرد. او به دلایل کاملاً شخصی به ایران بازگشت اما چندان مهرآمیز با او رفتار نشد. مصطفی عزیزی نویسنده و تهیه‌کننده سابق برنامه‌های تلویزیونی ایرانی است. عزیزی سه سال قبل و بعد از مدتها زندگی در کانادا تصمیم گرفت برای دیدار با خانواده‌اش به ایران بازگردد. او بارها در صفحه فیس‌بوک خود نوشته بود که کانادا هرگز کشور او نبوده و اینجا یک مهاجر است. مصطفی عزیزی در بدو ورود به ایران با مشکلی مواجه نشد و تصاویری از او در کنار خانواده و دوستانش در فیس‌بوک منتشر شد اما چند ماه بعد فرزندش از بازداشت و نگهداری او در سلول‌های انفرادی بند دو الف سپاه پاسداران خبر داد.

مصطفی عزیزی چهره‌ای فرهنگی بود که به صورت قانونی از کشور خارج شده بود اما به واسطه شرکت در تجمعات اعتراضی صنفی ایرانیان مقیم کانادا با اتهاماتی همچون توهین به رهبری، توهین به بنیانگذار جمهوری اسلامی، تبلیغ علیه نظام و اجتماع و تبانی مواجه و در دادگاه به هشت سال زندان محکوم شد. این نویسنده و کارگردان تلویزیونی با گذشت یک سال و نیم از مدت محکومیتش در فروردین ۹۵ مشمول عفو عمومی شده و از زندان آزاد شد. چند ماه بعد نیز با ابراز اندوه و تاسف از آنچه بر او رفته بود، خبر داد که تهران را ترک کرده و برای ادامه زندگی مجدداً به کانادا بازمی‌گردد.

خوش بینی سرمایه‌داران و نخبگان خارج از کشور از دعوت دولت‌های پس از انقلاب

با پایان جنگ ایران و عراق و بازشدن فضای اقتصادی، دولت وقت با دعوت عام از سرمایه‌داران ایرانی خارج از ایران از آنها خواست تا برای بازسازی کشور به کمک دولت بیایند و از تسهیلات ویژه در این خصوص



نتوانست برای آلبومی که در ایران ساخته و تهیه شده بود مجوز بگیرد و در آخرین خبری که در شهریور سال ۱۳۹۴ از وی منتشر شد، گفته است به صورت غیرقانونی و تنها در مهمانی‌ها و پارتی‌ها می‌خواند.

### اردشیر احمدی و مصطفی عزیزی؛ هر دو از اهالی رسانه‌های تصویری

اردشیر احمدی که تحصیلات خود را در رشته فیلم و سینما به پایان رساند در کودکی به کانادا مهاجرت کرده بود. او از جمله سازندگان موفق برنامه‌های تصویری در ارتباط با ایرانیان خارج از کشور بود و ساخته‌هایش را از طریق یوتیوب یا وبسایتی به نام کلام تی وی منتشر می‌کرد. در دی ماه ۱۳۹۳ رسانه‌ها از بازداشت او در اصفهان خبر دادند و سه ماه بعد او با انتشار یک نامه مفصل که بیشتر به توبه نامه شباهت داشت، بر روی صفحه شخصی‌اش در فیس‌بوک اعلام کرد به قید وثیقه آزاد شده است.

اردشیر احمدی در طی سه سال گذشته در ایران حضور داشته، به برگزاری دوره‌های فیلمسازی و کارگردانی مشغول بوده و برنامه‌های تصویری مختلفی از جمله «جعبه سیاه» را کارگردانی کرده است. آنگونه که در معرفی این



حبیب بارها در مصاحبه‌هایش گفته بود اگر روزی امکان برگزاری کنسرت و انتشار کارهایش در ایران فراهم باشد، بی تردید باز می‌گردد. وعده انتشار آلبوم با مجوز و «برگزاری کنسرت در استادیوم آزادی» از سوی شورای عالی ایرانیان خارج از کشور به حبیب داده شد و او به همراه همسرش به ایران بازگشت. دوربین‌های خبری او را در محافل دولتی و سخنرانی رهبر جمهوری اسلامی به تصویر کشیدند اما با همه اینها جز انتشار چند موزیک ویدئو او عملاً پس از بازگشت به حاشیه رانده شد و تا زمان مرگ در یکی از روستاهای شمال ایران به انتظار اجازه انتشار آلبوم و برگزاری کنسرت ماند.

امیرکازمی مشهور به سامان، یکی دیگر از خوانندگان ایرانی مقیم لوس آنجلس بود که در همان دوران و به شکلی مشابه با حبیب به بازگشت ترغیب شد. او با وعده دریافت مجوز فعالیت به ایران بازگشت و تنها موفق شد یک شب در جزیره قشم کنسرت بگذارد مشروط بر اینکه هیچکدام از ترانه‌های پیشینش را نخواند. سامان در مورد دلایل حضورش در ایران گفته بود یک ایرانی وطن پرست است و اهل کار سیاسی نیست. او خواسته بود مانند همه خوانندگان دیگری که در ایران زندگی می‌کنند اجازه فعالیت داشته باشد اما پس از گذشت دو سال از حضورش

این باره به شما توضیح دهد...»  
گوگوش اما هیچ نگفت و پس از سال‌ها بی‌خبری فعالیت هنری خود را از سر گرفت و به دنیای موسیقی و هنر بازگشت. بازگشتی که با استقبال زیاد مواجه شد. او اما هنوز هم زیر ذره بین قوه قضائیه ایران قرار دارد و سال گذشته در یک حکم غیابی که برای او و برخی دیگر از فعالان رسانه‌ای صادر شده بود به ۱۶ سال حبس محکوم شده است.

### تشکیل شورای عالی ایرانیان خارج از کشور

اواخر دوره اول ریاست جمهوری محمد خاتمی شورای عالی ایرانیان خارج از کشور با هدف تشویق و ترغیب نخبگان فکری و مالی ایران تشکیل شد. این شورا رسماً اعلام کرد توقیف گذرنامه ایرانیان در زمان ورود به کشور ممنوع است به جز در مورد افرادی که احکام قضایی برای آنها صادر شده است. در دوران ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد معاونان و مشاوران وی یک‌بار دیگر به سراغ خوانندگان رفته و موفق شدند رضایت برخی از آنها را برای بازگشت جلب کند.

بازگشت حبیب محبب‌ان و سامان خواننده‌های مقیم لوس آنجلس به ایران

استفاده کنند. برخی از سرمایه‌داران ایرانی این دعوت را با نگاهی مثبت دیده و برای فعالیت به ایران برگشتند. گزارشات منتشر شده از سهم خواهی برخی وابستگان اقتصادی نظام از آنان و گرفتاری های متعدد به استناد قانون «مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور» مصوب ۱۹ آذر سال ۶۹ حکایت دارد. این اتفاق تقریباً در همه دولت های پس از انقلاب رخ داده است و از نمونه



های شاخص سرمایه های اقتصادی یا علمی بازگشته به ایران می توان به «فاضل خداداد» در دهه ۷۰ یا نخبگانی همچون امید کوبی و حمید بابایی اشاره کرفاضل خداداد؛ بازگشت، سرمایه گذاری و صاحب فضل از فرزندان «حاجی خدادادخان خداداد» صاحب قدیمی میدان تره بار تهران بود. او در سال ۵۹ و با آغاز جنگ میان ایران و عراق جلای وطن کرد و پس از پایان جنگ به ایران بازگشت. علیرغم آنکه پدرش مالک کل میدان تره بار قدیم تهران بود اما فاضل بر روی فعالیت های ساختمانی و برج سازی متمرکز شد. خداداد با معرفی و همراهی مرتضی رفیقدوست که در آن زمان رئیس وقت کمیته انقلاب اسلامی سعدآباد بود - به بانک صادرات مراجعه و اقدام به افتتاح یک «حساب جاری مشترک با مرتضی رفیق دوست» کرد و مدتی بعد به همراه رفیقدوست بعنوان اولین اختلاس گر اقتصاد در ایران از

حمید بابایی در زندان اوین از او خواسته بود که اعتراف کند، اما حمید در تمام مدت دادرسی اتهام وارده را رد کرد و گفت «به دلیل عدم همکاری با نیروهای امنیتی قربانی شده‌ام.» او کماکان در زندان به سر می برد.

امید کوبی هم سرنوشتی چندان متفاوت ندارد. امید، پس از دریافت مدرک کارشناسی خود را در دو رشته فیزیک و مهندسی مکانیک از دانشگاه صنعتی شریف برای ادامه تحصیل به خارج از کشور رفت و دکترای خود را در رشته فیزیک اپتیک و فوتونیک در دانشگاه بارسلون اسپانیا به اتمام رساند. در سال ۸۹ به دعوت دانشگاه آستین تگزاس به آمریکا رفت تا تحقیقات فوق دکترای خود را در آنجا ادامه دهد. او در همین سال و در کمال آسودگی به ایران سفر کرد اما با درخواست همکاری مقامات سازمان انرژی اتمی مواجه شد. امید از همکاری سرباز زد به هنگام خروجش از کشور بازداشت شد.

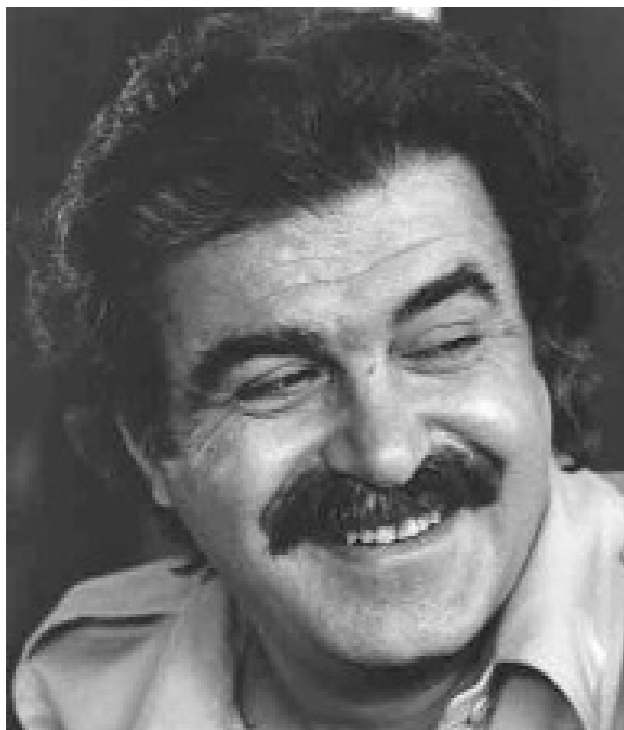
امید کوبی در دادگاه به اتهام ارتباط با دولت متخاصم و کسب مال نامشروع به ۱۰ سال زندان محکوم شد؛ بیش از پنج سال را بدون مرخصی در زندان گذراند و در خلال این دوران به سرطان کلیه مبتلا شد. مدتی بعد از عمل جراحی دوران محکومیت و مجازاتش متوقف و با فرمان آزادی مشروط از زندان آزاد شد. او همچنان ممنوع الخروج بوده و پاسپورت وی در توقیف است.

### آنها که رفتند و بازنگشتند...

مهشید امیرشاهی، نویسنده توانمند ایرانی در رمان «درحضر» می نویسد: «تبعید شوخی تلخ ناتمامی است که همیشه منتظرید تمامش کنید.» او در آستانه پیروزی انقلاب به ملاقات خواهرش در فرانسه رفت و هرگز بازنگشت. جرم او انتشار یادداشتی با تیتر «کسی نیست از بختیار حمایت کند؟» در روزنامه آیندگان است که در آن به دفاع از دولت شاپور بختیار و انتقاد از «روشنفکران متعهد، مسئول و ساکت» و «روشنفکران به تازگی به دین اسلام مشرف شده» پرداخته بود.

غلامحسین ساعدی در سال ۱۳۵۷ به دعوت انجمن قلم آمریکا روانه این کشور شد و سخنرانی های متعددی در این کشور انجام داد. او در اوایل زمستان آن سال به ایران بازگشت ولی در نهایت مجبور شد به تبعید ناخواسته تن

دهد. حاکمیت جمهوری اسلامی بارها پدر و برادر غلامحسین ساعدی را برای معرفی او احضار کرد. این روند باعث شد ساعدی در سال ۶۰ و پس از ماهها زندگی مخفیانه ابتدا به پاکستان و سپس به فرانسه هجرت کند و چهار سال بعد در تبعید و تنهایی این جهان را ترک کند.



از این نمونه ها بسیارند. مردمان معمولی، نخبگان علمی و فعالان عرصه هنر که با بی مهری از وطن رانده شدند. بهرام بیضایی ها، سوسن تسلیمی ها، شبنم طلوعی ها و امیرناری ها که از ایران رفته اند و با یک بام و دو هوای مسوولان کشوری در طول سالهای گذشته استخوان لای زخم نگاه داشته شده اند.

آنها که باز می گردند تباه می شوند و آنها که باز نمی گردند مدام در تردید و دودلی میان بازگشتن و باقی ماندن دست و پا می زنند.

روایت آدم های این گزارش در تضاد عجیبی با اصل سی و سوم قانون اساسی است: «هیچ کس را نمی توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه اش بازداشت.»

\*عنوان مطلب برگرفته از کتاب «درحضر» مهشید امیرشاهی است.

## پناهندگان و حق ورود به سرزمین مادری

امید رضایی

«هر انسانی محق به ترک هر کشوری، از جمله کشور خود، و بازگشت به کشور خویش است.» این متن بند دو ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر است که به صراحت حق بازگشت به وطن را به رسمیت شناخته است، حقی که در قوانین داخلی جمهوری اسلامی هم به شکل دیگری مورد تاکید قرار گرفته، از جمله در اصل ۳۳ قانون اساسی که می‌گوید: «هیچ کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه‌اش بازداشت.»

در ماده سه قانون گذرنامه آمده است «خروج از کشور بدون ارائه گذرنامه یا مدارک مسافرت مذکور در این قانون ممنوع است.» ولی در تبصره ماده پنج مجدداً حق ورود به کشور -حتی بدون گذرنامه- به رسمیت شناخته می‌شود: «در مواردی که افرادی فاقد گذرنامه و یا مدارک مسافرت برای مراجعت به ایران باشند در صورتی که تابعیت ایرانی و یا ایرانی بودن آنان محرز شود مأمورین مربوط می‌توانند اجازه ورود به ایران را بدهند.»

همچنین بنا به اصل ۱۴۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی، «تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند؛ مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید.» البته در چهار دهه گذشته، عملاً نه وقتی که فرد به تابعیت کشور دیگری درآمده و نه حتی با درخواست خود افراد، تابعیت ایرانی‌اش لغو نشده است. به این ترتیب هم از منظر حقوق بشری و هم با توجه به قوانین داخلی ایران، هیچ ایرانی‌ای را نمی‌توان از ورود به کشور منع کرد. این را حسن قشقاوی، معاون کنسولی و امور مجلس وزارت خارجه جمهوری اسلامی هم در دی ماه ۹۲ تأیید کرد: «ما چیزی به‌عنوان ممنوع‌الورود در قانون کیفری نداریم.»

### استثنایی به نام پناهندگان

در همان مصاحبه که چند ماه پس از انتقال قوه مجریه از افراطی‌ها به لایه‌های معتدل‌تر حکومت در ایران انجام شد، معاون وزارت خارجه مرزی برای حق ورود به کشور تعیین و گروهی را از شمول این حق خارج کرد: «غیر از مواردی که تحت تعقیب قضایی و دارای پرونده قضایی هستند، بقیه همه آزادند که به سرزمین مادری رفت‌وآمد داشته باشند.» البته همچنان در مورد کسانی که پرونده قضایی دارند یا

مدارکشان را هم بعداً فرستاده‌اند، مدارکی که وزارت خارجه برای قوه قضاییه فرستاده، اما پاسخی دریافت نکرده است. از جمله ایرانیان خارج از کشوری که در ایران تحت تعقیب قضایی قرار گرفته‌اند، پناهندگان ایرانی هستند. آمار دقیقی از تعداد آن‌ها در دست نیست. ولی به عنوان مثال: از سال ۱۹۸۴ تا ۲۰۱۲ (۱۳۶۳ تا ۱۳۹۱) ۱۲۶ هزار ایرانی در آلمان تقاضای پناهندگی کرده‌اند. یا بنا به آمار کمیساریای عالی

قرار گرفته است. روشن است که برگشت او به چنین کشوری منطقی نیست.» اشاره این حقوق‌دان به کنوانسیون مربوط به حقوق پناهندگان، تصویب ۱۹۵۰ در ژنو است. دادخواه همچنین می‌گوید: «درمورد محکومیت یا تعقیب قضایی هم طبیعی است که کسی که به کشور برمی‌گردد محکومیتش اعمال و مجازت شود یا محاکمه‌اش ادامه پیدا کند.»

بدین ترتیب می‌توان گفت حتی روی کاغذ امکان بازگشت پناهجویان و پناهندگان به سرزمین‌شان پیش‌بینی نشده است. البته جز آن دسته که لزوماً پرونده قضایی ندارند، اما به دلیل فعالیت‌ها، قومیت، مذهب، عقاید، گرایش جنسی و ... نگران هستند که با آن‌ها برخورد قضایی بشوند. شاید راهی که معاون وزیر خارجه نشان داده، برای آن‌ها مناسب باشد.

### آن‌ها که بازگشتند

از سال ۱۳۹۲ به بعد، یعنی از وقتی که محمود علوی، وزیر اطلاعات، اعلام کرد «به کلیه کسانی که مرتکب خلافی نشدند و از کشور رفته‌اند، تضمین می‌دهیم که در صورت بازگشت هیچ مشکلی نداشته باشند»، تعدادی از ایرانیان خارج به وطن بازگشته‌اند، از جمله برخی فعالان سیاسی و مدنی. برای برخی پرونده‌سازی شد، برخی راهی زندان شدند، برخی بازجویی شدند و برخی ممنوع‌الخروج. تعدادی از آن‌ها پس از مدتی زندان مجدداً از ایران خارج شدند و عده دیگری در کشور ماندند و فعال شدند. اما بیشتر کسانی که به ایران برگشتند، نه پناهنده یا پناهجو، بلکه کسانی بودند که با اقامت دانشجویی یا به دلایل دیگری از کشور خارج شده بودند. از اندک پناهندگان بازگشته، می‌توان به کاظم برجسته، عضو ستاد انتخاباتی میرحسین موسوی در سال ۸۸ اشاره کرده که در بهمن ۹۲ از برلین به تهران بازگشت و مستقیم از فرودگاه امام راهی زندان اوین شد تا حکم پنج سال زندان خود را بگذراند. برجسته بعد از حدود دو سال و نیم در خرداد ۱۳۹۵ مشمول عفو و از زندان آزاد شد.

افراد دیگری هم هستند که در طول دوران پناهجویی، قبل از این که درخواست پناهندگی‌شان پذیرفته شود، به کشور بازگشته‌اند.

در سال ۲۰۱۵، همزمان با آن‌چه رسانه‌های دست‌راستی

پناهندگان سازمان ملل تعداد پناهجویان ایرانی در ترکیه طی سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶ پنج برابر رشد کرده است. می‌توان حدس زد که پناهندگان و فرزندان آن‌ها بخش نسبتاً بزرگی از ایرانیان خارج از کشور را تشکیل می‌دهند. نسبت آن‌ها با حق ورود به وطن چیست؟ فریدون دادخواه، دانشجوی حقوق بین‌الملل در پاریس، به حقوق ما می‌گوید: «برگشت به کشور با روح پناهندگی در تضاد است. پناهنده کسی است که در کشور خودش مورد تعقیب و آزاروادیت



تحت تعقیب قضایی هستند، نمی‌توان ممنوعیتی برای ورود به کشور قائل شد. او همچنین راهی جلوی پای ایرانیانی که مطمئن نیستند پرونده یا محکومیت قضایی دارند یا نه گذاشت: آن‌ها می‌توانند به وزارت خارجه ایمیل بزنند و استعلام کنند. چند ماه بعد در اردیبهشت ۹۳ کاظم سجادی، مدیرکل امور ایرانیان خارج از کشور در مورد سرنوشت آن ایمیل‌ها به روزنامه شرق گفت وزارت خارجه «بیش از یکصد» ایمیل دریافت کرده که از ۴۰ نفر از آن‌ها

جانش فرار کرده است؟» به گفته او اگر فردی به کشورش برگردد، اداره مهاجرت استرالیا این گونه تلقی می‌کند که ادعاهای قبلی - مبنی بر در خطر بودن - همگی کذب بوده است.

در سال ۲۰۱۵ کانادا اقامت دائم برخی از افرادی را که پناهندگی‌شان قبول شده بود، ولی معلوم شده بود به ایران رفت‌وآمد داشته‌اند، باطل کرد و به اقامت موقت بازگرداند. در استرالیا هم دولت اقدام به ابطال ویزای پناهندگی برخی ایرانیانی کرد که گویا به ایران رفت‌وآمد داشته‌اند. یک وکیل امور اقامت می‌گوید «حتی اگر فرد شهروندی داشته باشد، شهروندی‌اش قابل ابطال است، اگر معلوم شود برای دریافت آن دروغ گفته است.»

با این حال یک وکیل در آلمان به حقوق ما می‌گوید لغو کلی اقامت یا ویزا به این دلیل - رفت‌وآمد به کشور مبدأ - تقریباً غیرممکن است. ولی دولت شکل اقامت را عوض می‌کند.

### بازگشت به کشور و حقوق بشر

حسن قشقاوی، معاون کنسولی وزارت خارجه، در ادامه این که چیزی به نام ممنوع‌الورودی وجود ندارد، به روزنامه شرق گفته بود: «اما اگر فرد مجرم [باشد] یا عمل مجرمانه‌ای انجام داده باشد، وقتی نهادهای ذیربط به او دسترسی پیدا کنند، مثل داخل کشور مورد تعقیب قضایی قرار می‌گیرد.» فریدون دادخواه، حقوق‌دان ساکن پاریس معتقد است این مسئله طبیعی است و آن را به خودی خود نمی‌تواند نقض حقوق بشر دانست، اما مسئله این است که «شیوه دادرسی و اتهام‌هایی که به فرد وارد می‌شود در واقع منافی حقوق بشر هستند.»

او همچنین در مورد افرادی که به‌خاطر فعالیت‌شان در خارج از کشور در ایران محاکمه و مجازات می‌شوند، معتقد است: «اگر عمل مجرمانه در خارج از کشور اعمال شده باشد، اما در داخل کشور واجد اثر باشد، دستگاه قضایی کشور صلاحیت دارد به آن رسیدگی کند.»

او در پایان می‌گوید: «به‌طور کلی در تمام جهان پذیرفته شده است که هیچ‌کس را نمی‌توان از ورود به کشوری که تابعیتش را دارد منع کرد، اما به‌وجود آوردن فضای خفقانی که عده زیادی مجبور به ترک وطن شوند و عده دیگری جرئت بازگشت نداشته باشند، نقض حقوق بشر است.»



حبس دیگر محکوم شد و در زندان ماند.

### دردسر رفت‌وآمد به ایران برای پناهندگان

پناهندگان سیاسی و شناخته‌شده اما گروه نسبتاً کوچکی از پناهندگان ایرانی را تشکیل می‌دهند. بخش عمده‌ای از پناهجویان و پناهندگان ایرانی مشمول پناهندگی اجتماعی هستند، افرادی که به دلیل گرایش جنسی یا تغییر دین پناهندگی گرفته‌اند.

در آلمان و دیگر کشورهای اروپایی معروف است که برخی پناهندگان ایرانی دور از چشم اداره مهاجرت آلمان پاسپورت ایرانی گرفته‌اند و با این پاسپورت به ایران رفت‌وآمد می‌کنند. گفته می‌شود آن‌ها با پاسپورت آلمانی یا پناهندگی خود به ترکیه می‌روند و بعد از آن‌جا با پاسپورت ایرانی‌شان راهی ایران می‌شوند. با توجه به قوانین مربوط به مهر ورود و خروج، این شکل از رفت‌وآمد شدنی به‌نظر نمی‌رسد.

آنچه روشن است، سفر به کشوری که پناهنده از آن گریخته، در قوانین بیشتر کشورهای پناهنده‌پذیر اروپا

«بحران پناهجویی در اروپا» خواندند، تعداد پناهجویانی که به اروپا آمدند، چندبرابر بیشتر شد، از جمله از ایران. در این سال حداقل پنج هزار و ۳۰۰ ایرانی در آلمان تقاضای پناهندگی کردند، حدود ۷۰ درصد بیش از سال ۲۰۱۴. بخشی از این پناهجویان، به دلایلی مثل تفاوت فاحش انتظاراتشان با واقعیت یا به این دلیل که تحمل شرایط نسبتاً سخت کمپ‌ها را نداشتند، به ایران بازگشتند.

حسن قشقاوی، معاون وزارت خارجه، در ۱۶ اسفند ۹۴ در مصاحبه با شبکه خبر، گفت دوهزار پناهجوی ایرانی در طول دو-سه ماه از آلمان به ایران بازگشتند. این افراد ابتدا باید تقاضای پناهجویی‌شان را پس بگیرند. کسانی که پاسپورت داشته باشند مثل مسافران معمولی به ایران باز می‌گردند و کسانی که پاسپورت نداشته باشند، باید در کنسولگری ایران برگه عبور بگیرند، چیزی معادل پاسپورت یک‌بار مصرف. این افراد معمولاً هنگام ورود به ایران باید به سوالاتی مانند چرا و چگونه ایران را ترک کردند و چرا تصمیم به بازگشت گرفته‌اند جواب بدهند. برخی از آن‌ها به دلیل خروج غیرقانونی از کشور، یکی-دو روز بازداشت می‌شوند و به پرداخت جریمه نقدی محکوم شدند. برخی نیز مشمول عفو می‌شوند. همچنین محرومیت دوساله از گرفتن پاسپورت برای برخی از افرادی که بدون پاسپورت و غیرقانونی ایران را ترک کنند اعمال می‌شود.

در مورد افرادی که پناهندگی آن‌ها پذیرفته شده است هم، روال کار همین است: آن‌ها اگر پاسپورت ندارند می‌توانند به سفارت ایران بروند و برگه عبور بگیرند. از نظر دولت ایران پناهجویی یا پناهندگی خودبه‌خود جرم محسوب نمی‌شود. به‌طور کلی با کسانی که به دلایل غیرسیاسی و غیرعقیدتی می‌خواهند پناهنده شوند یا پناهنده شده‌اند، در صورت بازگشت به کشور برخورد چندانی صورت نمی‌گیرد. اما در مورد فعال سیاسی ممکن است اوضاع فرق داشته باشند، آن‌ها حتی اگر در داخل کشور هم پرونده قضایی نداشته باشند، ممکن است به‌خاطر فعالیت‌های خارج از کشورشان که سفارت‌های ایران گزارشش را به نهادهای امنیتی ایران می‌دهند، با مشکل مواجه شوند.

یکی پناهنده سیاسی که در سال ۹۰ برای جلوگیری از ضبط وثیقه به از آلمان به ایران بازگشت، علاوه بر گذراندن دوران محکومیتش که قبلاً قطعی شده بود، به دلیل خروج غیرقانونی و فعالیت‌هایش در خارج از کشور، به شش ماه

# تبعید در قوانین دوران باستان، یهودیت و مسیحیت



کامبیز غفوری

## قوانین تبعید در روم باستان

در جمهوری روم، شهروندان می‌توانستند به عنوان جایگزینی برای جزای قانونی، درخواست کنند تا تبعید (به لاتین: *Exilium*) شوند. تبعید می‌توانست چه در مورد اتهام‌های جنایی و چه در اتهام‌های جنایی، به عنوان جایگزین انتخاب شود ولی عمدتاً در جرایم جنایی انتخاب می‌شد و کمتر کسی در جمهوری روم حاضر می‌شد تا به جای ادای دیون مالی، از ممالک محروسه روم خارج شود.

اما از نظر قانونی یک شرط وجود داشت: متهم می‌بایست پیش از صدور حکم محکومیت قطعی، خاک روم را ترک می‌کرد. گوردون کلی در کتاب تحقیقی مفصل خود با عنوان «تاریخ تبعید در جمهوری روم»، می‌نویسد: «ترتیب وقایعی که منجر به تبعید یک فرد می‌شدند، در طول تاریخ جمهوری روم یکسان بود. متهم می‌توانست از چرخه‌ی قضایی روی خارج شود و تبعید را انتخاب کند. او می‌توانست پیش از آغاز محاکمه یا در جریان محاکمه، خارج شود.» (کلی ۲۰۰۶: ۱۸)

به عبارت دیگر، متهم می‌بایست پیش از صدور حکم نهایی، خارج شود. در غیر این صورت، حکم لازم‌الاجرا می‌بود.

کلی از قول پولیبیوس، تاریخ‌نگار نامی یونان باستان می‌نویسد: «متهم می‌توانست صحن *indictum populi* یا دادگاه مردمی را هر زمان پیش از صدور حکم نهایی، ترک کند. (دادگاه مردمی، در واقع محاکمه‌ای علنی و در برابر *Comitia Centuriata* یا کمیته‌ای از شهروندان بود که محاکمه را پیش می‌بردند و حکم صادر می‌کردند). اما اگر محاکمه در برابر *indictum publicum* یا هیئت قضات بود، متهم می‌توانست تا پس از صدور حکم نیز صبر کند.»

تبعیدی حق نداشت به سرزمین‌های رومی بازگردد. هر گاه یک شهروند روم از سرزمین خویش چشم می‌پوشید و راه تبعید را انتخاب می‌کرد، آنگاه مجلس عوام فرمانی را با عنوان *aquae et ignis interdictio* صادر می‌کرد. این فرمان به طور قانونی از ورود آن شهروند به حوزه روم ممانعت می‌کرد. با این حال، آن‌گونه که کلی از سیسرو نقل می‌کند، هیچ ماده قانونی در روم برای تبعید وجود نداشت. تبعید در واقع مجازاتی مندرج در قانون نبود بلکه راهی جایگزین بود برای تحمل مجازات قانونی. با



عکس: پولیبیوس اوویدیوس ناسو، شاعر رومی که به تبعید فرستاده شد. یک نقاشی از *ION THEODORESCU-SION* نقاش رومانیایی. ۱۹۱۵

این حال، از آن‌جا که اسناد مکتوب به جا مانده، تنها موارد تبعید چهره‌های شاخص همچون سناتورها و نظامیان را قید کرده‌اند، دقیقاً مشخص نیست که آیا امکان‌پذیرش تبعید برای مردم عادی نیز وجود داشته یا خیر. (همان)

به هر روی، تبعید یک حق قانونی برای فرار از مجازات نبوده است. مثال آن را می‌توان در روند غیر قانونی شدن فرقه باکوسی‌ها دانست. باکوس (به یونانی: دیونسوس) خدای کاشت انگور و قداست شراب بود که یونانی‌ها نیز آن‌را به نام دیونسوس گرامی می‌داشتند. تعداد پیروان فرقه باکوسی در قرن دوم پس از میلاد به ناگهان زیاد شد. آنان پنج بار در ماه جشن‌هایی را برگزار می‌کردند که در آن‌ها انواع تفریح -از جمله سکس بدون محدودیت طبقاتی- آزاد بود. سنای روم این را خطری برای نظم جامعه روم تشخیص داد و در سال ۱۸۶ ب.م با صدور فرمانی ویژه به نام *Senatus consultum de Bacchanalibus* به موازات غیر قانونی اعلام کردن فرقه، مجازات مرگ برای پیروی از آن مقرر کرد. کمیسیون ویژه یا همان *questio extraordinaria* که برای تحقیق در این باره از سوی سنا مشخص شده بود، احکام متعدد اعدام صادر کرد و هیچ‌کدام از اعدامیان نتوانستند از جایگزینی به نام تبعید استفاده کنند.

## اوستراکیسموس در دولت‌شهر آتن

تبعید در دوران دموکراتیک آتن، یک عمل پیشگیرانه محسوب می‌شد. اگر فردی به هر دلیل، از جمله کسب قدرت بسیار، خطری برای شهر محسوب می‌شد یا خشم عمومی را برمی‌انگیخت، در یک روند رأی‌گیری به نام اوستراسیموس (به یونانی: اوستراکیسموس) که می‌توانست سالی یک‌بار برگزار شود، شهروندان به تبعید او از آتن رأی می‌دادند. نام اوستراکیسموس از تکه‌سفال‌هایی می‌آید که در جریان انتخابات از آن استفاده می‌شد و به یونانی اوستراکون (جمع: اوستراکا) نام دارد.

در جریان رأی‌گیری، شهروندان در آگورا جمع می‌شدند، رأی خود را بر روی یک تکه سفال می‌نوشتند و در کوزه می‌انداختند. اگر یک شهروند بالای شش هزار رأی می‌آورد، می‌بایست برای ۱۰ سال خارج از آتن زندگی کند. این تبعید، مجازاتی منفرد بود و هیچ تعرضی به اموال فرد تبعیدی صورت نمی‌گرفت، در جایگاه اجتماعی او تغییری حاصل نمی‌شد و او می‌توانست پس از ۱۰ سال به شهر بازگردد. از سویی، این امکان وجود داشت که برای بازگشت یک فرد زودتر از زمان ۱۰ سال، رأی‌گیری مجددی صورت گیرد. لیکن مجازات بازگشت غیرقانونی فرد تبعیدی، مرگ بود.

کیمون (به انگلیسی: سایمون)، دولتمرد و ژنرال یونانی و فرزند میلیتادس، قهرمان نبرد ماراتون، یکی از چهره‌های معروفی بود که از ۴۶۱ تا ۴۵۱ قبل از میلاد به حکم اوستراکیسموس در تبعید زیست. تکه‌سفال‌های بسیاری از آن رأی‌گیری معروف، کشف شده و در موزه‌های مختلف نگهداری می‌شوند. کیمون پس از بازگشت از تبعید، جایگاه خود را در دولت مجدداً تحویل گرفت و حتی در وقایع مهمی چون مذاکرات صلح با اسپارت و چند جنگ خارجی، ایفای نقش کرد.

آریستیدس (معروف به آریستیدس عادل)، سردار و سیاستمدار آتنی، دیگر چهره مشهور تاریخی بود که با این قانون به تبعید فرستاده شد. او که یکی دیگر از قهرمانان نبرد ماراتون بود، چند سال بعد از آن نبرد با تحریک رقیب سیاسی‌اش تیمستوکلس، به حکم اوستراکیسموس به تبعید فرستاده شد. آریستیدس هنوز نیمی از تبعید خود را به پایان نبرده بود که در سال ۴۸۰ ق.م به خواست آتنی‌ها برای سرداری در جنگ دیگری با امپراتوری پارس فراخوانده شد و در جنگ سالامیس که منجر به شکست ناوگان دریایی خشایارشا شد، شرکت کرد. پی.جی. رودس استاد دپارتمان تاریخ باستان دانشگاه دورهام، اوستراکیسموس را «تبعید محترمانه» خوانده است. (ر.ک به پی.جی. رودس در فهرست منابع)



OSTRAKON OF ARISTEIDES, OSTRACIZED IN 482 B.C. MAX. DIM.: 0125 M. ATHENS, AGORA MUSEUM P 9973

فرزند فرهاد چهارم را به گروگان گرفت و به روم گریخت. آگوستوس در عوض بازگرداندن شاهزاده‌ای که گروگانش بود، نماد عقاب‌نشان لژیون روم را که در جنگ حران به دست سورنا افتاده بود، مطالبه کرد. پارتی‌ها این را خواسته‌ای خرد یافتند اما برای آگوستوس، بسان بازگرداندن شرافتی بود که با شکست در جنگ حران لکه‌دار شده بود. امپراتور روم در کنار بازگرداندن شاهزاده‌ی پارتی، کنیزی ایتالیایی را به نام موزا را به فرهاد چهارم هدیه داد.

فرهاد چهارم به موزا علاقه‌مند شد و او را به همسری برگزید. موزا که به‌سرعت تبدیل به سوگلی فرهاد چهارم شده بود، برای بر تخت نشاندن فرزندش تلاش کرد و سرانجام دو سال قبل از میلاد مسیح، فرزندش با عنوان فرهاد پنجم پادشاه شد. او ناگهان اعلام کرد که با فرزند خود ازدواج و عنوان ملکه را حفظ می‌کند. این امر به بزرگان اشکانی گران آمد و ضد او موضع گرفتند. موزا به همراه فرزند/همسرش در سال چهارم پس از میلاد از سلطنت خلع و به روم تبعید شدند. آن‌ها به روایتی در راه تبعید به قتل رسیدند. (دایره‌المعارف بریتانیکا، ویرایش یازدهم)

تنها چهار سال بعد زعمای اشکانی ونون یکم را به تخت نشاندند. او در روم بزرگ‌شده بود و تربیت رومی داشت. اشکانیان ونون را نیز به جرم رومانوفیل بودن، خلع و در سال دوازدهم پس از میلاد مسیح به روم تبعید کردند.

در تمامی تصمیم‌های مربوط به پادشاهی اشکانیان، مجلس مهستان نقش بسیار پررنگی داشت. مهستان که از سال ۱۷۳ پیش از میلاد تشکیل شده بود، می‌توانست در صورت احراز خیانت، بی‌لیاقتی، ضعف یا بیماری شاه، او را خلع کند و شاهزاده‌ای دیگر را به تخت بنشانند. مهستان شامل دو مجلس بود. یکی را مغ‌ها و بزرگان و خردمندان از سراسر کشور تشکیل می‌دادند و دومی مربوط به شاهزادگان بود. (دانش‌نامه‌ی رشد)

خلع ونون و برجانشاندن اردوان سوم نیز یکی از تصمیم‌های بزرگ مهستان بود. لیکن مشخص نیست که آیا مهستان حکمی به نام تبعید داشته یا افراد مخلوع خود اقدام به فرار به مکان‌های امن می‌کردند. دلیل این تشکیک، مراحل پیش از تبعید ونون به روم است. پس از آن‌که مهستان اردوان سوم را به جای ونون به تخت نشاند، ونون به ارمنستان رفت، آن‌جا را تصرف کرد و پس از قبول شکستی دیگر از اردوان سوم، به سوریه‌ی تحت تملک روم آن زمان، گریخت. (بریتانیکا)

### تبعید در یهودیت

حسین سلیمانی در مقاله «مجازات‌ها در حقوق کیفری یهود»، تنها شکلی را که تورات از تبعید به عنوان یک مجازات قضایی، مجاز دانسته، تبعید مرتکبان قتل غیر عمد می‌داند. طبق نص تورات، تبعیدیان به «شهرهای پناهگاه» فرستاده می‌شدند. شهرهای پناهگاه دو کارکرد داشتند. یک این‌که متهم تا پیش از رسیدگی به اتهام و اثبات عمدی یا غیر عمدی بودن جرم، از خشم اولیای دم محفوظ باشد. دوم، اگر پس از رسیدگی، قتل غیر عمد تشخیص داده می‌شد، تبعید در شهر پناه‌گاه ابرام می‌گشت. نویسنده، ماهیت تبعید در مورد اول را غیر کیفری و صرفاً اقدامی پیش‌گیرانه برای حفظ جان متهم دانسته و در صورت دوم، ماهیت مجازات را بر آن مترتب شمرده است. متهم به قتل می‌بایست در شهر پناهگاه خود را به بزرگان شهر معرفی می‌کرد و آنان بودند که اقامتگاه او را مشخص می‌کردند. مطابق حکم تورات، قاتل اگر در مدت تبعید از شهر خارج می‌شد و به دست اولیای دم کشته می‌شد، خونس هدر بود اما پس از آزادی، خون او محترم بود و اولیای دم در صورت قتل او قصاص می‌شدند.

مجازات دیگری که در این رابطه در آئین یهود وجود دارد، طرد یا حرم *Herem* است که معادل آن در کلیسای کاتولیک *Vitandus* خوانده می‌شود و در ادامه بدان خواهیم پرداخت. سلیمانی حرم را یکی از مجازات‌های آئین یهود می‌داند که از مجازات‌های اصلی شریعت یهود، یعنی آن‌ها که تورات به رسمیت شناخته، نیستند اما «نخستین استعمال واژه حرم در معنای طرد در کتاب عزرا است. پس از بازگشت یهودیان از تبعید بابلی (۵۸۶-۵۳۸ ق.م) و رواج گناه در بین ایشان، عزرای کاتب در سراسر کشور اعلام می‌کند که تمامی قوم باید در عرض سه روز در اورشلیم جمع شوند و اگر کسی نیاید [اموال او ضبط خواهد گردید و خود او هم از میان قوم اسرائیل طرد خواهد شد] (عزرا، ۱۰: ۸). تلمود، طرد را به عنوان مجازات به رسمیت شناخت» (ر.ک سلیمانی در بخش منابع)

طرد به شکل خفیف، نیدوی نام دارد و در حالت شدید، حرم نامیده می‌شود. این مجازات، تحقیر مجرم با جداسازی او از بدنه اجتماع است. برخی از مجازات‌هایی که مشمول نیدوی می‌شدند،

عبارتند از توهین به یک دانشمند حتی پس از مرگ وی، بی‌اعتنایی به رهنمودهای خاخمی، فروش زمین به یک غیر یهودی بدون رعایت حق تقدم همسایه یهودی، کار کردن در بعد از ظهر عید پسخ، غضب شاگرد بر معلم و جرایمی در این حد. اما حرم در جرایم جدی‌تر مانند تعدی به بیوه‌زنان و یتیمان، رشوه، سوگند باطل و امثال آن اعمال می‌شد.

مجرم می‌بایست می‌بایست چنان رفتار کند که گویا در حالت عزاست؛ کوتاه کردن مو، استحمام یا شستن لباس ممنوع بود. او تنها می‌توانست همراه با خانواده‌اش زندگی کند و شخص دیگری مجاز به دیدار با او و احوالپرسی نبود. مجرم نمی‌توانست جزو سه نفری باشد که در مراسم شکرانه‌ی قبل از غذا شرکت می‌کنند و همچنین نمی‌توانست جزو ۱۰ نفر لازم برای دعای عمومی باشد. در صورتی که حکم طرد مجرم در زمان مرگ همچنان باقی می‌وید، تابوت -هرچند با قراردادن نمادین یک سنگ بر روی آن- می‌بایست سنگسار می‌شد.

لغو مجازات نیدوی و حرم در صورتی امکان‌پذیر بود که مرتکب، توبه و از خاخام تقاضای عفو می‌کرد. در صورتی که توبه، صادقانه دانسته می‌شد، لغو مجازات را به همراه داشت. (همان)

شاید اسپینوزا، فیلسوف برجسته هلندی قرن هفدهم، را بتوان



یکی از مهم‌ترین چهره‌هایی خواند که مشمول حکم حرم شدند. اسپینوزا، یکی از زمینه‌سازان نقد مذهبی که در خانواده‌ای یهودی پرورش یافته بود، در جولای ۱۶۵۶ در حالی که ۲۳ سال داشت، از جانب جامعه‌ی یهودی توراتی تلمودی آمستردام مشمول حکم حرم شد. حکمی که به طور غیر معمول، ادبیاتی بسیار تند داشت. در بخشی از حکم حرم اسپینوزا می‌خوانیم: «به فرمان فرشتگان و فرمان مردان مقدس، ما با رضایت خدای منان و رضایت تمامی اعضای مجمع مقدس، باروخ اسپینوزا را طرد و لعنت می‌کنیم... لعنتی [آن‌چنان] که الیسع [از پیامبران بنی‌اسرائیل] آن اطفال را مشمول کرد و با تمامی لعنت‌هایی که در کتاب شریعت آمده است. لعنت بر او در روز و شب؛ لعنت بر

این بندها از نمایش‌نامه‌ی مدئا، اثر اورپیدس که پنج قرن پیش از میلاد نگاشته شد و در دیونیسیا به اجرا در آمد، نشان می‌دهد که نمونه‌هایی از تبعید به ادبیات و افسانه‌های آن زمان یونان باستان نیز راه داشته است:

«مدئا- آه ای وطن! اگر بدانی اکنون چگونه از عمق جان یادت می‌کنم.

کرئون- آری! من هم با فاصله‌ای بسیار بعد از فرزندانم، وطنم را عزیز می‌دارم.

● آه! آه که علائق در دنیا چه مصیبت‌هایی را در پی دارند... زئوس ای خدایگان! فراموش نکن چه کسی این مصیبت را بر سر من آورد.

● برو ای زن احمق! برو تا آرامش یابم.

● من نمی‌خواهم مجادله کنم.

● سربازان من به زور تو را اخراج خواهند کرد.

● نه! خواهش می‌کنم کرئون... من به تبعید خواهم رفت؛ به این خاطر نیست که از تو خواهش می‌کنم.

● پس چرا برایم شاخ و شانه می‌کشی؟

● فقط یک روز. بگذار برای یک روز بمانم تا بدانم چگونه زندگی‌ام را در تبعید اداره کنم و منبعی برای زندگی فرزندانم بیابم... تو پدری و فرزنددی دادی؛ طبیعی است که نسبت به بچه‌ها رقت قلب داشته باشی. من نگران تبعید خودم نیستم اما قلمم می‌شکند وقتی کودکانم عذاب و محرومیت می‌کشند.» (مدئا، ترجمه‌ی نگارنده از متن انگلیسی)

### نمونه‌هایی از تبعید در زمان اشکانیان و نقش مجلس مهستان

حدود ۳۰ سال پیش از میلاد مسیح، زمانی که کودتای تیرداد دوم برای ساقط کردن فرهاد چهارم به شکست انجامید، تیرداد

است، می‌تواند خارج از قوانین منتشرشده‌ی کلیسای کاتولیک، طرد خودکار را به دنبال داشته باشد. نقض محرمانگی در موارد مربوط به انتخاب پاپ و یا رشوه برای اخذ یک جایگاه کلیسایی، موسوم به *simony*، این مجازات را در پی دارند. جالب توجه است که ریشه‌ی واژه‌ی *simony*، مربوط به سیمون ماگوس (شمعون مجوسی) است که خود طرد شده‌ی کلیسا در قرن یکم میلادی است. سیمون که از مغ‌های زرتشتی بود، با تمسید سن فیلیپ به مسیحیت گروید و طبق روایات، زمانی که مشاهده کرد حواریون عیسی مانند پطرس با لمس بیماران، آنان را شفا می‌دهند، به این افراد پیشنهاد رشوه کرد تا در ازای آن قدرت شفابخشی را به دست آورد. او را نخستین طرد شده‌ی کلیسا خوانده‌اند و روحانیون مسیحی مرتکب این عمل، به طور خودکار مشمول قانون طرد می‌شوند.

نیاز قدرت سیاسی به کسب مشروعیت از کلیسا باعث می‌شد که قانون طرد گریبان پادشاهان قدرتمند را نیز بگیرد. کلیسا در اوج قدرت خود، بسیاری از شاهان کاتولیک را مشمول قانون طرد کرد. تنها در قرن سیزدهم، این پادشاهان از سوی کلیسای کاتولیک طرد و برخی از آن‌ها دوباره جذب شدند: جان لکلند پادشاه انگلستان (برادر ریچارد شیردل و شخصیت منفور پرنس جان در داستان فولکلور انگلیسی رابین هود) به دلیل نپذیرفتن کاردینال استفن لنگدون به سمت اسقف اعظم کانتربری؛ آلفوتزوی دوم، پادشاه پرتغال، به دلیل انجام اصلاحات منجر به محدود کردن درآمدهای کلیسای کاتولیک؛ لادیسلاو چهارم پادشاه مجارستان به دلیل سبک زندگی غیر مسیحی، از جمله زندانی کردن همسر و ارتباط با معشوقه‌های متعدد؛ همچنین اریک ششم، پادشاه دانمارک و میخائیل هشتم، امپراتور بیزانس. در همین قرن، فردریش دوم، امپراتور مقدس روم سه بار به خاطر تخطی از فرامین سه پاپ، گریگوری نهم، کلسنتین چهارم و اینوسنت چهارم، از سوی کلیسا طرد و هر بار بازگردانده شد. در عصر روشنگری نیز کلیسای کاتولیک تمام تلاش خود را کرد تا از دستاویزهایی چون طرد، برای مقابله با جریان منتقد مقابله کند. مارتین لوتر، یکی از پیشوایان نهضت پروتستان، در سال ۱۵۲۱ از جانب پاپ لئو دهم طرد شد. پاپ لئو دهم در ژوئن ۱۵۲۰ در یک فتوا، به لوتر گفت که ۴۱ جمله از اعلامیه‌ی ۹۵ ماده‌ای خویش را ظرف ۶۰ روز حذف کند. لوتر به جای فرمانبرداری، نسخه‌ی فتوا را سوزاند و پاپ در فتوای دیگر که به نام *Decretum Romanum Pontificem* معروف است، فرمان طرد لوتر را صادر کرد.

توماس اراستوس، پزشک، شیمی‌دان و الهیات‌دان سوئیسی که عقایدی متفاوت با دستگاه کاتولیک داشت و معتقد بود مسیحیان در صورت ارتکاب جرم باید از سوی دادگاه غیر دینی محاکمه شوند نه این‌که از سوی کلیسا از شعائر دینی جمعی طرد شوند، خود در سال ۱۵۷۰ مشمول طرد شد و با وجود رفع

او زمانی که می‌خواست و زمانی که بیدار می‌شود، زمانی که بیرون می‌رود و زمانی که بازمی‌گردد... ما فرمان می‌دهیم که هیچ‌کس حق ندارد با او چه به صورت شفاهی و چه به صورت کتبی ارتباطی برقرار کند، در حق او هیچ‌گونه لطفی کند، با او زیر یک سقف بماند یا به فاصله چهار ال [واحد اندازه‌گیری قدیمی، برابر با نوک انگشت میانی یک مرد بالغ تا آرنج او] نزدیکش شود؛ یا هیچ چیزی که او می‌نویسد یا تألیف می‌کند را بخواند. «*Della Rocca* ۲۰۰۸: ۲۰»

همچنین گفته می‌شود که خاخام‌های اودسا در اوکراین، رهبران یهودی‌تبار انقلاب شوروی -از جمله لئون تروتسکی و گریگوری زینویف- را در سال ۱۹۱۸ مشمول این مجازات کردند.

### طرد در مسیحیت

واژه طرد یا قطع ارتباط *excommunication* در مسیحیت باری نرم‌تر از یهودیت دارد. در کلیسای کاتولیک رومی، مجرم «تعمید داده شده»ای که به دلیل اصرار بر خطایش مشمول این حکم شود، به کل از جامعه‌ی کاتولیک طرد نمی‌شود، لیکن نمی‌تواند با سایر مومنین در مسائل معنوی جمعی و آئین‌ها و دعاها شرکت کند. این کار از نظر کلیسای کاتولیک نه صرفاً یک مجازات، بلکه اقدامی با هدف «درمان» یا «تصحیح» ایماندار است. این کلیسا معمولاً از امکان طرد به‌ندرت استفاده می‌کند و به کسانی که اجازه‌ی صدور حکم طرد را دارند، توصیه‌ی اکید می‌کند که با احتیاط آن را به کار ببرند. در واقع، کلیسای کاتولیک، طرد را یکی از بدترین مجازات‌ها و در ردیف مرگ دانسته و سن جروم و سن آگوستین، دو قدیس بزرگ این کلیسا، مجازات طرد را با رانده‌شدن آدم و حوا از بهشت مقایسه کرده‌اند. همچنین در برخی متون مسیحی، طرد، «تبعید از کلیسای عیسی مسیح» نام گرفته و با تبعید رومیان مقایسه شده که به واسطه‌ی آن، مزایای شهروندی و زیستن در روم را از دست می‌دادند. (*Hyland* ۱۹۲۸: ۳-۴)

برخی از جرایم هستند که مرتکب آن‌ها طبق قوانین کلیسای کاتولیک رومی به طور خودکار *ipso facto* مشمول طرد قرار می‌گیرد زیرا قانون کلی مربوط به آن پیشتر صادر شده است. به این قانون، *Latae sententiae* می‌گویند که به معنای تصویب بدون نیاز به حکمی جداگانه است. نمونه‌های آن، افشای مندرجات اعتراف کلیسایی یک ایماندار و اقدام به سقط جنین هستند که به ترتیب در مواد ۱۳۸۸ و ۱۳۹۸ قانون کلیسایی، مصوب سال ۱۹۸۳، آمده‌اند. سوءقصد کنندگان به جان پاپ نیز طبق ماده‌ی ۱۳۷۰، در این زمره‌اند. (به فهرست منابع نگاه کنید) با این حال، کلیسای کاتولیک شرقی از قوانین *Latae sententiae* به صورتی که در شرح کلیسای کاتولیک رومی آمد، استفاده نمی‌کند.

برخی قوانین داخلی کلیسا نیز که مربوط به روحانیون ارشد

طرد در سال ۱۵۷۵، جایگاه سابق دینی خویش را نیافت. از مشهورترین چهره‌های تاریخی طرد شده از جانب کلیسا، می‌توان به ناپلئون بناپارت اشاره کرد که پس از ضمیمه کردن رُم به قلمرو تحت نظارتش، در سال ۱۸۰۹ با دستور پاپ پیوس هفتم طرد شد.

در نخستین سال قرن بیستم، خوزه ماریا وارگاس ویلا، روزنامه‌نگار و نویسنده‌ی کلمبیایی، به خاطر انتشار رمان ایبیس که در آن همراه با تقدیس روابط جنسی آزاد و تشویق آتنیسم، دستگاه کلیسایی به سخره گرفته شده بود، طرد شد. آلفرد لوزی، پدر مدرنیسم انجیلی؛ مارشال تیتو، رهبر کمونیست یوگسلاوی؛ خوان پرون، رئیس جمهوری آرژانتین و فیدل کاسترو، رهبر انقلاب کوبا، مشمول این حکم قرار گرفتند.

با این حال، طردشدگان قرن حاضر، بیشتر به دلایل غیرسیاسی همچون سقط جنین و ایجاد فرقه‌های غیر قابل قبول برای واتیکان، مشمول این حکم می‌شوند.

حکم‌های طرد به دو نوع *Vitandi* و *Tolerati* تقسیم می‌شوند. نوع اول، به حرم یهودیت نزدیک‌تر است زیرا افراد را از تعامل اجتماعی با مجرم منع می‌کند و تنها همسر، والدین، فرزندان و خدمتکارانی را که به طور ثابت در خانه‌ی فرد زندگی می‌کنند، از



مارتین لوتر و اعلامیه‌ی ۹۵ ماده‌ای که بر سررد کلیسای خود چسباند.

شمول طرد خارج می‌کند. به فرد مشمول این حکم *Vitandus* می‌گویند که در لغت به معنای فردی است که باید از او پرهیز شود. این حکم به کسانی تعلق می‌گیرد که امکان تکرار خطای آنان و به عبارت کلیسا، آلوده کردن جامعه‌ی ایمانداران از سوی آنان وجود دارد. اما در نوع دوم، فرد خاطی در جامعه «تحمّل» می‌شود و نوعی تدبیر برای تنبیه و بازگرداندن اوست. پاپ مارتین پنجم در قرن پانزدهم میلادی برای نخستین بار جزئیات مربوط به تمییز این دو نوع طرد را مکتوب کرد و به صورت قانون در آورد. (*Hyland* ۱۹۲۸: ۴۰)

شاهدان یهوه، فرقه‌ای مسیحی که در قرن نوزدهم ایجاد شده و طرفداران قابل توجهی را به خود جلب کرده است، قانونی به

نام مجازات «خراج» دارد. در وبسایت شاهدان یهوه، آمده که آنان اخراج از جماعت را «تدارکی پر مهر» می‌نامند. اگر یک شاهد یهوه که تعمیم گرفته است، «مرتکب گناهی جدی شود و از گناهش توبه نکند»، اخراج می‌شود. مصادیق گناه جدی عبارتند از «اعمال نامشروع جنسی، بت‌پرستی، دزدی، اخاذی، قتل و ارتباط با ارواح یا متوسل شدن به نیروهای غیبی.» در آن صورت، «پیرانی که در کمیته قضایی جماعت خدمت می‌کنند» طبق قوانین این شاخه از مسیحیت، مرتکب را اخراج می‌کنند. این گروه، اخراج را عملی پر مهر می‌دانند زیرا معتقدند که پس از این تنبیه، با هدایت افرادی از فرقه، شخص به توبه‌ی واقعی ترغیب می‌شود و از سوی دیگر، جلوی فساد جامعه‌ی مومنان گرفته می‌شود زیرا به گفته‌ی آنان، گناهکارانی که توبه نمی‌کنند، «صخره‌های مخفی و خطرناک زیر آب» هستند و می‌توانند «سبب در هم شکستن کشتی ایمان دیگر اعضای جماعت شوند.» (وبسایت فارسی شاهدان یهوه)

### منابع:

- اوریبیدس. نمایش‌نامه‌ی مدئا. نسخه‌ی انگلیسی. این فایل پی‌دی‌اف
- دایره‌المعارف بریتانیکا، ویرایش یازدهم؛ مداخل فرهاد پنجم، موزا و شمعون مجوسی.
- دانش‌نامه‌ی رشد، شبکه‌ی ملی مدارس، مدخل اشکانیان.
- سلیمانی حسین. مجازات‌ها در حقوق کبیری یهود. این لینک
- وبسایت شاهدان یهوه، اخراج از جماعت تدارکی پر مهر. این لینک

- Codes of Canon Law (1983). English Version. Vatican. C1370, C1388 and C1398
- Della Rocca, Michael (2008). Spinoza. Routledge. UK
- Hyland, Francis Edward (1928). Excommunication: Its Nature, Historical Development and Effects. Catholic University of America. Washington D.C. USA.
- Justin's History of the World extracted from Trogius Pompeius, in Justin, Cornelius Nepos and Eutropius, John Selby Watson, tr. (London: George Bell and Sons, 1876), pp. 272-283.
- Kelly, Gordon (2006). A History of Exile in the Roman Republic. Cambridge University Press, UK. (pages 17-23)
- Rhodes P.J. Voting In Ancient Athens. This link.



# حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر  
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر

ایران / محمود امیری مقدم

سر دبیر این شماره: نعیمه دوستدار

تماس با مجله: [mail@iranhr.net](mailto:mail@iranhr.net)

